

نابود باه جنگ ؛
هرگ بر خمینی
زنده باه صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال پنجم
اول اردیبهشت ۶۸ شماره ۵۸

اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی یاد



کارگران همه کشورهای خلقهای تحت ستم جهان
به کارگران ایران در مبارزه
برای سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی
یاری رسانید

خمینی مامور به نتیجه

سرانجام خمینی کسی دیگر در جهت تعمیق بحران و بن بست حاکمیتش برداشت و "حاصل عمر" شریکه "شیدا" به او علاقه مند بود راز جانشینی خود عزل نبود. جلاد قرن در سیمای فقیه عالمقدر "طاعت" رهبری نظام تنگبین جمهوری اسلامی رانده و تصمیم بر آن گرفت تا به پرونده‌ای که از مدت‌ها قبل از ماجرای مهدی هاشمی گشوده شد، مهر "پایان" زند و برای اینکه خود را بدون خطا جلوه دهد، اعلام میدارد که از ابتدا با انتخاب فقیه عالمقدر مخالف بوده و تنها بخاطر مصلحت نظام بپرکاری دست می‌زند. آنچه برای منتظری این روزها اتفاق افتاد، برخلاف اعلام شیدادانه خمینی نه یک "تضییع ساده" بلکه بهمانگونه که ساجده‌های خلق اعلام نمودند، بزرگترین حادثه در درون دستگاه و لایت فقیه حساب می‌آید. اگر منتظری با افراترقتل عام زندانیان سیاسی بطور ناپسندیده مخالفت می‌کند، اگر او از بعضی "زفرم"های سیاسی جانبداری می‌کند و اگر او در "این" یا "آن" مسأله حکومتی از رهبرش اطاعت نمی‌کند، اگر او برای مبارزه با جناح‌های رقیب و تحریک "پایبندی‌ها" خود افرندی که در "امور" مخالفت ندارد، جا می‌زند و سرانجام اگر او با آنچه چاکر منشی و جبهه‌ساز در مقابل خمینی و اعتراف به "اشتباهات و ضعف‌هایی که لازمه طبیعت" اوست، باز هم از امام شیدادان توسری می‌خورد، این از الزامات بحران همه جانبه است که تمام نارویدود جامعه ما را فرا گرفته و خمینی هر روز برای حفظ موجودیتش آنرا تعمیق می‌بخشد. حقیقت اینست که خمینی بهترین راه‌ها را برای ابدی و مزبورانش منافع حاکمیت ضد مردمی اش را درک می‌کند، و بی همان میزان که منافع مردم ایران را زیر پا می‌گذارد، در جهت حفظ منافع حکومتش کام برمی‌دارد. برای خمینی بهمانگونه که در هنگام تودهنی زند به رئیس جبهه‌پرویزش اعلام نمود هیچ چیز برتر از حفظ حکومتش نیست. خمینی در جواب منتظری نیز این امر را برای چندمین بار اعلام می‌کند که "مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیزی است." اکنون این سوال برای هر کسی که با مسائل جامعه ایران برخورد دارد مطرح میشود که علت اساسی اقدامات اخیر خمینی چیست؟ و چرا هنگامی که "همه" فکر می‌کردند که جهت تحولات به سود جناح طرفدار "نرمال" شدن جامعه پیش می‌رود، خمینی ابتدا ماجرای سلیمان رزقی و سپس به بزرگترین جراحی درون حکومتش دست زد؟ ضروری هرچند خلاصه به تغییر و تحولات چندین ماه گذشته، برای فهم ارتباط منطقی بین آنچه در جامعه روح می‌دهد و آنچه خمینی برای کنترل اوضاع بدان متوسل میشود، مفید است. در ساعت ۲ بعد از ظهر روز ۲۷ تیر ۶۷ در میان بهت و حیرت همگان رادیو رژیم اعلام می‌دارد که قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد را می‌پذیرد. این حادثه آنچنان ضربه‌ای به طرفداران ادامه جنگ وارد نمود که تنها خود خمینی دوازده روز بعد آنرا به بهترین وجهی توضیح داد. روز ۲۹ تیر ۶۷ خمینی طی یک پیام طولانی، اعلام نمود که: "اگر آبرویی داشته‌ام، با خدا معامله کردم. اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقا مسأله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصا برای من بود، اگر نبود انگیزه‌ای که همدی ما عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و هرگز به رضایات برایم گوارا نداشت. ملت ما هم نباید فعلا مسأله را تمام شده بداند، البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکنند. جدید در ادامه جنگ نیست. ۱۰۰۰ من باز می‌گویم که قبول این مصالحه برای من از هر کشنده‌تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم." بدین ترتیب خمینی با شهادی خاص خودش، به شکست سیاست جنگی اش اعتراف می‌کند و بی‌درنگ به دلجویی "حزب الله" پای "رضای خدا" را به میان می‌کشد. این ضربه به "حزب الله" انهم از جانب خمینی آنقدر سنگین است که دانشجویان خط خمینی اعلام می‌کنند که "ای کاش ما شهید می‌شدیم و شاهد چنین بارگراتی که بر قلب امامان سایه انداخته است نمی‌بودیم." نقل از اعلامیه دفتر تحکیم وحدت - ۱۶۷/۴/۲۰. خمینی که تا کنون با تکیه بر این "توده" عقب افتاده و این فضولات ماقبل سرمایه‌داری همه چریکان را از صحنه خارج می‌کرد، اکنون که بخش بزرگی از این "توده" در جنگ تکه پاره شده‌اند و "کاو" و "محتون" و "حلیجه" بسرعت از وجود حزب اللهی‌ها پاکسازی میشود و نیروهای خمینی در حشرات اشغال "کربلا" در مردابهای شوق بصره و دریاچه ماهی "شریت شهادت" راس می‌کشند، مجبور است اعتراف کند که در جنگ شکست خورده است. قبول قطعنامه ۵۹۸ از جانب خمینی، ضمناً آن باندهای درون حکومت که از مدت‌ها قبل، پیام شکست و اذیت‌ناپذیر کرده بودند در تقویت و آرا در وجه غالب حکومت قرار داد. منتظری در پیامی که در روز ۳۰ تیر ۶۷ از رادیو رژیم پخش شد
در صفحه ۲



حماسه مبارزه، مقاومت، و شهادت
بزرگ جزئی و هم‌رزمانش همبسته
الهام بخش مبارزان راه‌رهای طبقه
کارگر و زحمتکشان مین ما
خواهد بود.

در صفحه ۶

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

عزل رسمی منتظری، پیام سرنگونی محتوم رژیم خمینی

مربوط به آزادی فعالیت اجزای و باز شدن قطب‌های
مخالفین درونی رژیم، همچنانکه مقاومت ایران از
پیش اعلام کرده بود، تماماً بر باد رفته است.
جنگال مربوط به نویسنده انگلیسی چند
روز بیشتر برای خمینی فایده نداشت. خمینی قادر
به تحمل کمترین مخالفت و اختلاف نظری حتی از
سوی ولیعهد خود نیز نیست. به همین دلیل
منتظری را که قتل‌عام پرتنگ و فحش‌های هزاران
زندانی سیاسی در چند روز را به سود آینده رژیم
نمی‌دانست با ذلت و عواروی و تهدید برنگار کرده و
و اداری نموده است طی نامه‌ای نسبت به اعتراضات
پیشین نویسنده اظهار تاسف کند.
بازار بزرگاری و استعفا‌های مهربمهای رژیم
خمینی در سطوح مختلفه این روزها بسیار
پر رونق است. از دور خارج شدن مهربمهایی از
قبول لاریجانی و مطلانی و بیرون آوردن سپاه
پاسداران از کنترل رفسنجانی به روشنی حاکی از
فراج این رژیم است. خمینی ناگزیر برای ادامه

خمینی امروز ولیعهد خود را که ۱۰ سال بر
روی جانشینی او سرمایه‌گذاری و تبلیغات کرده
بود رسماً برنگار نمود. وی همچنین برای منتظری
خطو نشان کشیده و به او هشدار داده است. جدا از
رفت و آمد «مخالفین نظام» به شانه‌ی خود
جلوگیری نماید.
برگناری منتظری بزرگترین تحول سیاسی
در درون رژیم خمینی پس از خوردن «ذره»
آتش‌بس است و نقطه‌عطفی در بحران‌های
قزاینده داخلی حاکمیت می‌باشد و به وضوح
صحت نظر مقاومت عادلانه مردم ایران مبنی بر
بی‌پندگی و حشیت سرگوتی دیگناتوری
ضد انسانی خمینی را نشان می‌دهد.
اوضاع وخامت‌یاب رژیم به آنجا رسیده که
خمینی برای کنترل اوضاع، خود را ناگزیر از
یک چنین جراحی بزرگی در درون رژیمش یافته
است. اکنون تمامی رزست‌های مربوط به بازسازی و
«بازسازی» رژیم نقش بر آب شده و امیدهای

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران -
پرو برنامه (هویت) با هم میهنان سبل
زنده در سستان ابراز همدردی می‌کنند.

درون سازمان

مطبوعات خارجی:
خمینی پاکسازی می‌کند، و آینده ایران را
سر درگم صفحه ۷
در ایران، اخراج یک نفر سبب تقویت فرد
دیگری شده است صفحه ۷
انتخابات در شوروی صفحه ۱۲
اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق
ایران - پرو برنامه (هویت) در مورد
قتل عام زندانیان سیاسی در ایران
صفحه ۵

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

خمینی هامور به نتیجه

اعلام میدارد که:

"امام با صفای باطن و فروتنی مخصوص به خود تمامی مسائل را بعهده گرفتند و از آبروی خود مایه گذاشتند و در مقابل امت اظهار شرمساری کردند و ملیت ما هرگز نمی‌خواست و راضی نبود چنین شرایطی پیش آید که حضرت امام مجبوره قبول آن شوند و این همه تلخی و ناگواری را تحمل کنند و البته همانگونه که خود امام فرمودند امروز وقت گفتن "چراها" و "بایدها" و "نبایدها" نیست و حق هم همین است." این حرف را کسی میزند که در سالگرد انقلاب سپهر، همه چیز را بر سوال می‌برد و "چراها" و "بایدها" و "نبایدها" بی‌سیاری را مطرح می‌کند که برای کل رژیم بسیار دردناک بود. بهر حال خمینی در روز ۲۱ تیر ۶۷ ضربه دیگری به حزب الله وارد میکند و در ملاقاتی که فرمانده سپاه با خمینی داشت، خمینی تمامی اختیارات را به جناح رفسنجانی واگذار میکند و اعلام میکند که "مسائل سیاسی را وزارت امور خارجه بعهده دارد و مسائل نظامی بر عهده قوای نظامی و تحت حمایت ستاد فرماندهی کل قواست" (۱۶۷/۴/۳۱). بدین ترتیب در مبارزه قدرتی که در درون رژیم از دستها قبل وجود داشت، جناح طرفدار "نرمال" کردن اوضاع رژیم، دست بالا را پیدا می‌کند، بعدها معلوم میشود که این جناح از دستها قبل، یعنی آن هنگامی که خمینی به رفسنجانی اختیارات جانشینی فرمانده کل قوا را تفویض می‌کند، برای چنین روزی تلاش می‌کرده و نقشه خود را چنین طرح ریزی نموده بود که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ وزیر شعار "بازسازی" هم رابطه با غرب را توسعه داده و هم بتدریج با آمریکا تجدید رابطه نمایند. در چنین شرایطی نیز به گونه‌ای چیده شده بود که مردم ایران که از ابتدا خواستار صلح بودند، با هم سر بریده شوند و بدین ترتیب همه چیز بروفق مراد ارتجاع و امپریالیسم پیش رود. رفسنجانی و متحدین به اصطلاح "لیبرال" اوسمخو - ستند بر مروج صلح خواهی مردم سوار شوند و یکبار دیگر مبارزه راهشخص مردم ایران را در مقابل ارتجاع و امپریالیسم قربانی کنند. در اینجا آزمایشی بزرگ در مقابل نیروهای مقاومت انقلابی و بر محور آن مجاهدین خلق ایران قرار گرفت. مجاهدین خلق بایباید علیرغم زمان اندک، پاسخی به این تغییر و تحولات بدهند و یا باید از صحنه حذف شوند. عملیات افتخار آفرین فروغ جاویدان، مثل پتک بر سر خمینی وارد آمد، اینک این مقاومت انقلابی است که حرف میزند، حرف نه، فریاد میزند، علیه جنگ و اختناق و برای صلح و آزادی، یکبار دیگر با غرر تفنگها، سیاست انقلابی سخن می‌گوید و توطئه امپریالیسم و ارتجاع علیه مردم ایران را خنثی می‌کند. اینک این مقاومت انقلابی است که مستقل از تمامی پارامترهای بازدارنده بیسن المللی، حرف مردم ایران را میزند، مردم ایران صلح پایدار و آزادی را در ایران بدون خمینی قابل حصول می‌دانند. بدین ترتیب با عملیات افتخار آفرین فروغ جاویدان، خمینی آبرویاخته و زهر خورده، ضربه دیگری دریافت نمود و فهمید که اوضاع آنگونه که میخواست پیش نرفت.

از معاهده

هنوز چند صباحی از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و انجام عملیات بزرگ فروغ جاویدان نگذشته بود که آثار این رویداد بزرگ خود را در تشدید با هم بیشتر تفاهدهای درونی رژیم نشان داد. خمینی جلاد برای انتقام گرفتن از مردم ایران به بزرگترین قتل عام سیاسی دست زد و هزاران هزار زندانی سیاسی ایران را قتل عام نمود. در تاریخ ۲۳ مرداد ۶۷، محمد جواد لاریجانی، طی مصاحبه مفصلی با روزنامه کیهان، خطوط اصلی سیاست خارجی جدید رژیم را اعلام نمود. مواضع اتخاذ شده در این مصاحبه، شدیداً مورد اعتراض "است همیشه در صحنه" قرار گرفت. یکی از نکات جالبی که در این مصاحبه وجود داشت این بود که لاریجانی در مقابل واژه رژیم حجاز که از طرف سوال کننده مطرح میشود از کلمه دولت عربستان سعودی استفاده نکرد. روز ۲۷ مرداد ۶۷، کیهان رژیم سرمقاله‌ای بنام "تفاهم ملی - ضرورت حیاتی انقلاب" به قلم یکی از مزدوران رژیم بنام مهدی نصیری چاپ نمود. توجه به این مقاله، بنشانه آرزوهای خمینی و آنچه امروز بر سر رژیم خمینی آمده است، نشان دهنده بحران‌ها و پس بست های رژیم خمینی است که هر حرکتی از جانب رژیم را به ضد خود تبدیل میکند. در این مقاله - می‌خوانیم که:

"با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، مائین متحرک انقلاب یکی از گردهای هولناک اهدت سرگذشت، اما لاجرم شرایط جدیدی را رقم زد که ویژگی های خطر آفرین و ضربه پذیر فراوانی را به همراه آورد. ۵۰۰ هاله‌ای از ابهام گرداگرد بعضی از مسائل موجود را فرا گرفته است. آنچه در این میان به مثابه بلا تشنه خروری و انگار ناپذیر جلوه گراست، خطر پرآکندگی و بروز سو تفاهم در بین نیروهای همیار و همراه انقلاب و نظام است و این هدفی است که دستهای ناپیدا در تعقیب آن هستند. شایعه پردازی، وارونه کردن حقایق و واقعیت‌ها، شکستن پرتیغ عناصر کلیدی و سازش ناپذیر با هر چه گرایش به غرب و یاقشاری برای بن تحلیل که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نتیجه روحیه سازشکارانه مسئولان سیاسی کشور بوده، از ابزارها وترفندهای مورد استفاده آن دستهای ناپیدا است. همه سخن در این است که زمزمه‌های متعددی که در گوشه و کنار و به گونه‌ای سیستماتیک و حساب شده علیه بهترین چهره‌های انقلاب به گوش میرسد، هدفی مشخص و از پیش طراحی شده را دنبال می‌کنند و اسفا که گاه نیروهای خودی که احساس و شور انقلابی آنها قابل ستایش است، ناخودآگاه و بدون توجه به ماهیت ابعاد و بی آمدهای این حرکت، دست به شمانت چهره‌های ارزنده انقلاب می‌زنند. تنها کسانی که عطش قدرت و سودای قبضه حاکمیت دارند و بر آن سرنه که در ظلمات تفرقه و تشنج و بی اعتمادی، کلاه از سر نیروهای طرفدار نظام بردارند و بر سر خود بگذارند، می‌توانند برای حرکتهای تفرقه آفرین و بر شوکن خود توجیه داشته باشند. ضرورت تفاهم و انسجام و هم دسی در موقعیت فوق العاده حساس کنونی، بی نیاز از استدلال است. بر راستی آیا این هدف مشترک بر اندازی نظام جمهوری اسلامی نیست؟ اگر چنین

است، مابه چه میزان تفاهدها و تنش های خود را برای مقابله با این توطئه عظیم جهانی حل کرده‌ایم؟ این مقاله در شرایطی منتشر میشود که سرتاسر رژیم را شایعه، توطئه، دسته بندی و باندبازی گرفته است. رفسنجانی در صدد است تا سپاه را کاملاً در ارتش ادغام نماید، موسوی برای تثبیت قدرت خود، به شعارهای میان تپی ضد امپریالیستی متوسل میشود، منتظری نسبت به "تندروپها" هشدار میدهد، خامنه‌ای وارد دسته بندی جناح رفسنجانی میشود، و لاریجانی، لاریجانی و محلاتی برای گسترش رابطه رژیم با غرب از این نقطه جهان به آن نقطه مسافرت می‌کنند، در تاریخ ۸ شهریور ۶۷، رئیس جمهور و نخست وزیر و اعضای هیئت دولت با خمینی ملاقات می‌کنند. در این جلسه خمینی امتیازاتی به جناح "بازار" می‌دهد و بدین ترتیب "حبیب الله" هم که به اندازه کافی از برکات جنگ جیب های خود را پر کرده بود، برای دوران "نه جنگ و نه صلح" هم کیسه بزرگ خود را آماده کرده است. خمینی در این ملاقات می‌گوید: "حالا که بعد از جنگ است، مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند، لکن با نظارت دولت. دولت اجازه بدهد مردم از خارج چیز بیاورند، تجارت کنند، لکن نظارت داشته باشد که فساد ایجاد نشود."

خمینی شمن برای به اصطلاح بازسازی نیز از گان جدیدی بوجود می‌آورد و می‌گوید: "صلاح در این است که هیات تشخیص مصلحت مرکب از سران کشور و نخست وزیر تشخیص دهند که در امر بازسازی کجا قدم باشد و کجا بعد ۵۰۰۰"

در روز ۱۳ شهریور ۶۷، مجلس ارتجاع پس از مدتها تعطیلی کار خود را آغاز نمود و در همین جلسه، خط و نشان کشیدن جناحها علیه یکدیگر آغاز شد. علیرضا خاک آج پوزه، نماینده ارتجاع از رشت در این جلسه می‌گوید: "این روزها در روزنامه‌ها تحت عنوان "یادداشت‌ها" و "دیدگاهها" و "تفسیرهای سیاسی روز" مطالبی چون "امنیت ایران را چگونه تضمین کنیم"، "برای حفظ صلح باید نیرومند بود" و "ضرورت اتخاذ استراتژی دفاع قوی" و اینگونه اراجیف به چشم می‌خورد که رنگ و بوی حفظ سیاست و منافع استکبار جهانی از آن دیده و شنیده میشود که یقیناً مردم آگاه هیچگاه از کنار آن به سادگی نمی‌گذرند" (کیهان رژیم ۶۷/۶/۱۴)

در روز ۱۵ شهریور ۶۷، بحران حکومتی اوج جدیدی می‌گیرد. موسوی از سمت نخست وزیر بری بخاطر اینکه هیچگونه اختیاری ندارد استعفا میدهد و خامنه‌ای استعفا او را نمی‌پذیرد. خمینی بخاطر این مساله تودهنی محکمی به نخست وزیر هیچکاره اش می‌زند. چند روز قبل از این استعفا، خمینی طی نامه‌ای اختیار تعزیرات حکومتی را از دولت گرفت. موسوی استعفا خود را پس می‌گیرد و در نامه‌ای به خمینی می‌نویسد: "مسائل و مواردی که چاره جوئی آنها راه مصلحت کشور می‌دانم، حضوراً عرض می‌کنم". اکنون دیگر برای همه روشن شده که هم بر سر رابطه با آمریکا و هم بر سر نحوه بازسازی و اختیارات دولت و بخش خصوصی بین مزدوران رژیم خمینی اختلاف وجود دارد. حسین کجوشان در آخرین قسمت مقاله‌ای که در کیهان تحت عنوان "دیپلماسی انقلاب" نوشته بود و در تاریخ

خمینی مامور به نتیجه

۱۶ شهریور ۶۷ در این روزنامه بچاپ رسید تا کیسه می‌کند که: "تا زمانی که موازنه نیروها درجهان اسلام از جمله میان ایران و آمریکا مشابه وضع کنونی است، هر نوع اقدامی در جهت برقراری رابطه نسه تنها سازش، بلکه فراهم آوردن امکانی برای نابودی حرکت اسلامی است"

در مقابل آخوند محمد جواد حتی کرمانسی در تاریخ ۱۹ شهریور ۶۷ طی مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات تحت عنوان "انقلاب، استراتژی و تاکتیک" می‌نویسد: "اگر يك روزی ملاحظه گردید امام رضایت داد که ما با شیطان بزرگ رابطه پیدا کنیم، هیچگاه تعجب نکنید. چون این هیچگاه و سبب وجه با اهداف استراتژی امام و انقلاب منافات ندارد. این هیچگاه "تغییر موضع" و "فراموش کردن" یا "تخریف" و "مسح" اهداف انقلاب نیست. این همان بازگشت به عقب گوهرورد است برای رهائی از خطر"

در این شرایط رفسنجانی و جناح او بطور مرتب بازگویی می‌کنند و جناح اصیل "خط امام" را هر روز منفردتر می‌کنند. این ساله هنگام رای گیری در مورد وزیرای کابینه در مجلس ارتجاع خود را بنحو کامل نشان می‌دهد. ولایتی بیشترین رای موافق را بخود اختصاص می‌دهد و علیرغم اینکه نامه خمینی در مورد تأیید محتشمی در مجلس خوانده میشود، در رای گیری محتشمی بیشترین رای مخالف (۱۰۶ رای) را می‌آورد و در خمینی در نامه خود در رابطه با محتشمی نوشته بود:

"... آقای محتشمی ایده‌الله تعالی از دوستان قدیمی من فردی متدین، متعهد و مبارز است که با هوش سیاسی که دارد، همیشه خدمتگزاری خوب برای اسلام و ایران بوده است. مقصود من از نامه به هیات وزیران آقای محتشمی نیست. انشاءالله آقایان در مسائلی که می‌خواهند به کسی نسبت دهند، دقت کافی بنمایند و جهات شرعی را نیز مراعات نمایند" (کیهان رژیم - ۲۰ شهریور ۶۷)

در تاریخ ۲۴ شهریور ۶۷، فرماندهان سپاه يك گرد همائی بزرگ تشکیل دادند. خامنه‌ای برای خاموش کردن موج اعتراضات فرماندهان سپاه در جلسه افتتاحیه این گردهمائی می‌گوید: "ما و شما باید کوشش کنیم سپاه را بصورت يك مجموعه رزمی و نظامی همواره حفظ کنیم. من در برخورد با سطوح متوسط سپاه این سوال و تردید را یافته‌ام که آیا بعد از سپاه بازم به صورت يك واحد رزمی و نظامی خواهد بود یا تغییر ماهیت خواهد داد. پاسخ بصورت قاطع اینست که سپاه يك واحد نظامی باقی خواهد ماند. ۵۰۰ سپاه يك نیروی انتظامی نیست و نخواهد بود."

خمینی نیز در پیام خود به این گردهمائی در روز ۲۶ شهریور ۶۷ می‌نویسد: "روزهای حساس و تعیین کننده‌ای در پیش روداریم و انقلاب اسلامی هنوز سالها و ماههای تعیین کننده دیگری در پیش خواهد داشت" در آن شرایط خمینی برای کنترل گرگ‌های گرسنه و سگهای هار رژیمت، مجبور به دخالت روزمره در امور و تأیید این با آن فرد از این با آن جناح میشود. روزی با طوق توری و آذری قمی را تأیید می‌کند و روز دیگر برای آخوند مامنی نامه نوشته و او را تأیید می‌کند وقتی رژیم شاه در شرایط سقوط از درون تلاشی

می‌شد، در جلسات فرماندهان ارتش، یکی از تیمساران مردور شاه بنام عبدالعلی نجیمی ناآشنی می‌گوید: "ما باید تیمسار، استراتژی خودمان را روشن کنیم و بر اساس آن جلو برویم، والا همانطور که تیمسار فرمودند، خرده خرده ناپود خواهیم شد و آنوقت مثل برف آب خواهیم شد، مثل برف آب خواهیم شد" (صفحه ۲۲۲ - مذاکرات شورای فرماندهان ارتش)

اکنون رژیم خمینی بهمنی وضع دچار شده است، هیچ طرحی را رژیم نمی‌تواند پیش ببرد. در تاریخ ۳ شهریور ۶۷، رژیم مجبور میشود طرح اقدام وزارتخانه‌های دفاع و سپاه را برای شش ماه مسکوت بگذارد. مواضع در مقابل رفسنجانی و دارودسته‌ی او هر روز بیشتر میشود. علیرضا فرزاد نماینده مجلس ارتجاع در جلسه روز ۳ شهریور ۶۷ مجلس ارتجاع می‌گوید: "برای احترام گذاردن به خانواده شهدا باید که در مقابل سیاست گذارهای آمریکا کوتاه نیاییم و در خاطرمان هیچگاه فکری ایجاد رابطه با آمریکا نباید و برای بازسازی کشور نباید به پول و سیاست و مدیریت بیگانه روی آوریم" (کیهان رژیم - ۶۷/۷/۲۰)، روزنامه نیوسورک تایمز در شماره هفتمین روز خود در رابطه با گرایش‌های که در درون حکومت مدافع گرفتن وام از غرب است می‌نویسد: "به گفته مقامات رژیم ایران، علیرغم دکتترین مذهبی و سیاسی که پرداخت بهره‌ی وابستگی به خارجیان وارد می‌کند، اکنون وام گرفتن از خارجیان در درون حکومت در حال شکل گیری است. تغییرات آنقدر سریع است که یکی از مقامات رژیم ایران که نمی‌خواست نامش اعلام شود، گفت: پراگماتیست‌ها کار را از همان نقطه‌ای که در جریان ایران گرفت و هسا کرده بودند، از سر گرفته‌اند" روزنامه جمهوری اسلامی نیز در مقاله روز ۱۱ مهر ۶۷ خود می‌نویسد: "ارز اظهارات آقای مهندس موسوی نخست وزیر در مصاحبه‌ی اخیرشان نیز کاملاً مشخص است که ایشان به عنوان رئیس دولت جمهوری اسلامی ایران، با عادیسازی روابط با انگلیس، لااقل در مقطع کنونی و با شیوه‌های جاری مخالف است. با اینحال معلوم نیست وزارت امور خارجه چگونه اینهمه برای عادی سازی رابطه با انگلیس دستاچگی نشان می‌دهد"

این راز رژیم جمهوری اسلامی درست در روزی می‌نویسد که خمینی طی نامه خود به سرکردگان مزدور رژیمت می‌نویسد: "مبادا بدون در نظر گرفتن محظورات سیاسی و شرایط بسیار پیچیده و حساس کشور به طرح سوال‌ها و اشکالات رو آورد که بازگو کردن و تحلیل واقعی قضایا توسط مسئولین دلسوز نظام باعث کشف اسرار مملکت شده و برای نظام مسئله آفرین گردد" (کیهان - ۶۷/۷/۱۱)

در آن افواج و احوال بحرانی، وضعیت اقتصادی رژیم نیز روز بروز به وخامت می‌گراید. قیمت هسا بطور سرسام آور بالا میرفت، بجز بازار ایران و سرکردگان رژیم که هر چه بیشتر به نارت و چیپ اول مردم می‌پرداختند اوضاع برای بقیه مردم هر روز بدتر میشد. در هفته اول مهرماه قیمت نفت به پائین‌ترین حد خود رسید. بجز بحرانی نفتی سال ۱۹۸۶ که قیمت نفت نزول سرسام آور نموده بود، هیچگاه قیمت نفت تا این حد پائین نیامده بود. در هفته اول مهر ۶۷، قیمت

نفت پایه در بازارهای اروپائی به بشکه‌ای ۹ دلار و ۵۵ سنت رسید. این قیمت اندکی بیشتر از نصف قیمت رسمی تعیین شده توسط اوپک بود.

در تاریخ ۱۸ مهر ۶۷، منتظری پیامی به گردهمائی انجمن‌های اسلامی دانشجویان که در مشهد برگزار شد ارسال نمود. در این پیام که متن آن از راهیو رژیم در تاریخ ۲۰ مهر ۶۷ پخش شد منتظری بطور علنی علیه مسئولین رژیم موضع گرفت و اعلام کرد که: "اگر تحمل شتیدن حرف مخالف نظر خود را نداشته باشیم، بزودی این حرف مخالف تبدیل به گلوله ۵۰۰ خواهد شد". منتظری در پیام خود برای تحریک بنده رژیم اعلام نمود که: "استجاب نسبت به سیاست و تصمیم گیریها و اجراءات کشور دخالتی ندارم و درکنسار می‌باشم". این حرفها را کسی می‌زند که در هر کجا که جمعی وجود دارد، اوپک نماینده دارد. منتظری در این پیام خود اعلام می‌کند که باید "شیوه‌های فریب و سیاست بازی و ... دوران شعار بدون عمل را تمام کنیم. منتظری در پیام خود اعلام نمود که "مسئولین کشور نباید خود را بی نیاز از انتقاد و ابرادگی‌گری بدانند. هیچک از ما معصوم نیستیم تا احتیاج به تذکر نداشته باشیم". بدین ترتیب منتظری تصمیم گرفت که خود را در اس جریان ناراضی از امور تدار داده و مستقل از جناح‌های رسمیت یافته، حرکت کند. روزنامه کیهان در تاریخ ۲۱ مهر ۶۷، مصاحبه مفصلی با ولایتی در رابطه با مسائل جاری سیاست خارجی انجام داد. محمد جواد لاریجانی معاون آن موقع وزیر امور خارجه طی مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات تحت عنوان "سیاست خارجی خود را مبتنی بر اصول تنظیم کنیم" به تشریح سیاست ارتباط گیری فعال با غرب پرداخت. در تاریخ ۲۶ مهر ۶۷ نشریه کیهان نامه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف را با تیتراژ "نقدی بر اظهارات معاون وزیر امور خارجه درباره توسعه روابط ایران با کشورهای غربی" منتشر نمود. در این نامه دانشجویان فالانژ چند سوال بشکل زیر در مخالفت با نظرات لاریجانی مطرح می‌کنند و می‌نویسند:

"۱- ارتباط بی‌مناهی احترام متقابل، منافعی مشترک و عدم دخالت در امور ما قدرتها می‌باید در زمانی باشد که به قول امام مابه مرز قدرت جهانی رسیده باشیم، آیا ما امروز به این مرز رسیده‌ایم؟

- آیا بهتر نیست که دقت‌های ویژه را فیسل از برقراری روابط به عمل آورد تا پس از آن.

- قطع رابطه با آمریکا هیچگاه بر مبنای احسانات و درگیریهای سیاسی داخلی نبوده است."

در تاریخ ۲۷/۷/۶۷ روزنامه کیهان در پنجشنبه قسمت مقاله‌ای تحت عنوان "نقش ایران در طراز قدرت معنوی جهان" به قلم علی حسین پناه که نسبت به نظرات لاریجانی موضع انتقادی گرفته چاپ می‌کند. در این مقاله می‌خوانیم که: "اظهارات دکتر محمد جواد لاریجانی که باید سیاست بین‌المللی خود را چنان

مردم ایران رژیم خمینی در ساندله اسرای جنگی، به اشکال مختلف کار شکنی می‌کند، با مبارزه متحد و یکپارچه خود، رژیم خمینی را مجبور به قبول ساندله کامل اسرای جنگی بنمائید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

خمینی مأمور به نتیجه

در روزهای دیمه سال قبل، تفادهای درونی رژیم، هرروز اوج جدیدی می‌گرفت. مساله رابطه با غرب و بخصوص با آمریکا، مساله گرفتن وام از خارج، مساله نقش دولت در اقتصاد و بازسازی، مساله شیوه برخورد در مذاکرات صلح، مساله تغییر قانون اساسی و تکلیف‌ها به کردن قوه اجرائیه، از مسائل کلیدی بود که باند‌های مختلف درون رژیم بر سر آن اختلاف نظرات اساسی داشتند. روزنامه کیهان در شماره روز ۲۷ آذر ۶۷ بیانیه انجمن اسلامی دانشگاه تهران که جریانی مخالف "نرمال" شدن شرایط است را چاپ می‌کند. این انجمن دانشجویان فالاتر و حزب الهی در بیانیه خود به مساله "اخذ وام خارجی" اشاره می‌کند و می‌نویسند:

در مورد استقراض خارجی آیا هیئت دولت به عنوان مجریان رده بالای کشور، مجلس به عنوان مجامع صاحب نظران و کارشناسان مسلکت و دانشکها به عنوان مراکز علمی و تحقیقاتی در این امر مورد مشاوره قرار گرفته‌اند؟ در مورد تغییر قانون اساسی نیز باند‌های حزب الهی و فالاتر که مخالف "نرمال" شدن شرایط هستند، تبلیغات همه جانبه‌ای را ادامه می‌دهند. محمد صدر معاون سیاسی وزارت کشور در روزنامه اطلاعات روز ۲ بهمن ۶۷ می‌نویسد: "قانون اساسی در ارتباط با حاکمیت، قدرت را بین رئیس جمهور و نخست وزیر و هیئت دولت تقسیم کرده و این امر برای اینست که مبادا مرض مزمن دیکتاتوری دوباره خود را نشان داده و انقلاب را تهدید کند." وی سپس می‌افزاید: "من درمیداری که با نخست وزیر داشته‌ام به وی گفتم که گویا شما موافق هستید تا اختیارات نخست وزیر و رئیس جمهور در هم ادغام شود؟ ایشان گفتند که من به دلیل اینکه مبادا در کشور بحران ایجاد شود با این طرح موافقت کرده‌ام." ۱۰۰۰ لایحه اگر کسانی هستند که فکر می‌کنند، با ادغام اختیارات ریاست جمهوری و نخست وزیر و مشکلاتشان حل می‌شود، فردا همین اختلاف بین رئیس جمهوری و مجلس پیش می‌آید. "بدین ترتیب خط مخالف "نرمال" شدن اوضاع، علیرغم اینکه در موضع دفاعی قرار داشت، اما در تمامی زمینه‌ها برای حرکت اصحاب "استحاله" سنگ اندازی می‌کرد. روز ۲۰ دی ۶۷، خمینی طی پیامی که در پاسخ به گزارش وزیر نفت صادر نمود، اعلام کرد که هیچ قدمی در راه حل مسائل مردم بر نخواهد داشت و اعلام کرد که "مردم باید تصمیم خود را بگیرند" و با رفاه و مصرف‌گرایی یا تحمل سختی و استقلال و این ساله ممکن است چند سال طول بکشد ولی مردم ما یقیناً دومین راه را که استقلال و شرافت و کرامت است انتخاب خواهند کرد. "بدین ترتیب خمینی روشن نمود که در منطق او "استقلال و شرافت و کرامت" با فقر و تحمل سختی همراه است. خمینی چنان‌تکسار در شرایطی مردم را با زهم تحت فشار قرار می‌دهد که بنا به نوشته مهندس سبحانی (کارشناس جمهوری اسلامی و رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه) ایران رژیم طی ده سال گذشته مبلغ ۱۰۰ میلیارد دلار از ۱۵۰ میلیارد دلار درآمد کشور را با لاکشده و پیاچیف و میل کرده‌اند که بهر حال حساب آن روشن نیست. روز ۲۹ دیمه ۶۷، منتظری برای حل و فصل بعضی قضایا در جماران با خمینی ملاقات نمود. در روزهای قبل از اسرار انقلاب بهمن باند‌های مختلف علیه هم خط و نشان می‌کشیدند.

خمینی است. روز ۱۰ آبان ۶۷، خمینی در جواب یکی از افراد دفترش بشکل جدیدی وارد دعواهای گرگ‌های درون رژیمش میشود و ضمن پذیرش باندبازی درون رژیمش، به جناح‌های مختلف توصیه می‌کند که دست از خصومت با یکدیگر بردارند. خمینی در نامه خود می‌نویسد: "اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای نسا کرده بی جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت

انقلاب مقدم بدارد حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آنست تالیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزديك ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است از واسطه‌هایی که فقط کارشان القاء بدبینی نسبت به جناح مقابل است پرهیز نمود. شما آنقدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند در برابرش قاطعانه بایستید".

روزنامه جمهوری اسلامی که از سر نوشت توصیه‌های پیشین خمینی بخوبی باخبر است و میداند که هر پیام خمینی را باند‌های درون حکومت به نفع خودشان تفسیر می‌کنند هشدار می‌دهد و می‌نویسد: "خوبست قدری بی تفاوت در این زمینه صحبت شود و این مساله را مطرح می‌کنیم که نباید گذاشت این رهنمود امام هم به سر نوشت بسیاری از رهنمودهای مشابه در زمینه ایجاد برادری و وحدت در جامعه دچار شود و همه چیز در حد حرف خلاصه شود." (جمهوری اسلامی، ۶۷/۸/۱۹)

روز ۲۲ آذر، حزب الله اولین شرب شمشاد را به جناح طرفدار "نرمال" کردن شرایط وارد نمود و دکتر مامی که یکی از طرفداران رفرمیزه کردن حکومت بود را مورد سوء قصد قرار داد. این جنایت که مسلماً با اطلاع و دستور خمینی صورت گرفته بود، هشدار جدی برای اصحاب استحاله بود. منتظری در رابطه با این ترور از "محیط عدم امنیت ابراز ناخشنودی کرد" روز ۸ آذر ۶۷، خمینی طی یکی از پاسخ نامه‌هایش دستور انحلال بعضی از نهادهای غیر "فرو" را صادر نمود. این آخرین و مهمترین اقدام خمینی طی ماههای گذشته در جهت منافع جناح طرفدار "نرمال" کردن شرایط بود. بنظر میرسد خمینی قدم بعدی را با تمام عواقب آن چندین بار مزمزه کرده است. سوال اساسی که بلافاصله پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از جانب رژیم خمینی در جامعه طرح بود، همچنان بقوت خود باقی ماند رژیم خمینی به کجا میرود؟ آیا این رژیم قابل "استحاله" است؟ "رفرم" و "نرمال" شدن است. تلاش اصحاب "استحاله" با سرعت مواضع خود را تقویت می‌کند. بخصوص کسه خمینی در جواب ۹۷ نماینده مجلس قول می‌دهد که در صدمات به قانون اساسی احترام بگذارد. خمینی به مزدوران خود می‌نویسد: "تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سالها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام بازگردد." (رادپور رژیم، ۶۷/۹/۷)

تنظیم کنیم که نیروهای فعال سیاسی دنیا منافعی نزدیک خود را در معرض خصومت با ما نبینند و حتی با وجود دشمنی باطنی در مقطع حال ترجیح دهند با ما کنار بیایند. حرکت ایران را به سمتی متممی می‌بخشد که طی سه سال اخیر به روشنی شروع شده است. اگر ما توانستیم غرب را به تغییر مواضع و گذشت از منافع اش طی این سالها و ادار معائن البتة خواهیم توانست حمایت دنیای سرمایه‌داری را در سالهای آتی متوجه منافع و امنیت واقعی خود کنیم. برای دیدن آینده و فرجام نهایی این روند، باید به گذشته خود بنگریم. "طبعاً در چنین اوضاع و احوالی، سرکردگان رژیم پیش از پیش از لحاظ برنامه ریزی فلج هستند. ارگانی که خمینی برای سیاست گذاری در مورد بازار سازی تعیین کرده بود، روز بروز بی خاصیت تر میشود. خمینی با ایجاد این ارگان مجلس دست پخت خود را بی خاصیت نموده بود. اکنون واقعیت‌های موجود، ارگان جدید را نیز بی خاصیت می‌نماید. دولت در نیمه دوم مهر ۶۷ لایحه‌ای درباره "برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی" به مجلس ارتجاع ارائه نمود که صدای همه را درآورد. در این لایحه بجز کلی گوش‌های بی حاصل، هیچ طرح عملی برای حل مسائل اقتصادی وجود نداشت. روزنامه رسالت در مقاله‌ای که در تاریخ ۵ آبان ۶۷ چاپ نمود، نهاد‌های دولتی را زیر سوال برد و نوشت: "شورای عالی بازسازی با واقعیتی تازه و پرمخاطره روبروست. اینان خواه نیرومند باشند یا ضعیف، مادام که مجبورند با نهاد‌های نامناسب و بهم ریخته و فرسوده کار کنند، به هیچوجه قادر به رفع اغتشاشات و بحران‌های اقتصادی که جامعه با آن مواجه است، نخواهند بود." از طرف دیگر دولت موسوی در فرصت به بازار و بخش خصوصی بخاطر انباشت میلیاردها تومان "تقدیرنگی" حمله می‌نمود. این جماعت که خمینی آنان را "حمیب الله" نامیده بود، حاضر نموده در چنین شرایط سختی ذره‌ای به "روح الله" و "حزب الله" کمک کنند. تجار "محترم" هیچ قدمی بسود دولت موسوی بر نمی‌داشتند و سعی می‌کردند از آب گل آلود ماهی بگیرند. در آن شرایط گزاشی که خواستار رابطه با آمریکا و گرفتن وام از غرب بود، بتدریج خود را قوی تر می‌نمود و هر روز یارگیری جدیدی می‌نمود. در روزنامه جمهوری اسلامی نیز مقاله‌ای به قلم ابراهیم انجاری لاری در دفاع از برقراری رابطه با آمریکا چاپ میشود. نویسنده مقاله می‌نویسد: "ما باید با انگاه به نفس و از بسک موضع قوی و با اطمینان کامل به رهبری معظم انقلاب و مسئولین جمهوری اسلامی باور کنیم که می‌توانیم در صورت لزوم با آمریکا هم رابطه داشته باشیم"

(روزنامه جمهوری اسلامی ۶۷/۸/۱۲)

محمد جواد حجتی کرمانی طی مقاله‌ای که در روزنامه اطلاعات تحت عنوان "امام، قله و تمدن جدید" چاپ می‌نمود، علیه "مقدس نماها" و کسانی که با "تکنیک" و "تمدن" مخالفند قلمفرسایی می‌کرد. بیچاره حجتی کرمانی نمی‌توانست قبول کند و ما نمی‌خواست قبول کند که آنکه بیش از همه مخالف "تکنیک"، "تمدن" و "فرهنگ" است خود

به نقل از:

نشریه اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج
از کشور (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)
شماره ۱۶۸ - ۲۵ فروردین ۱۳۶۸

چهاردهمین سالگرد شهادت ۹ انقلابی اسیر گرامی باد



فدای شهید بیژن جزئی



مشوف (سعید کلانتری)



عزیز سمردی



حسن عباس طریقی



احمد جلیل افشار



محمد چوپانزاده



عباس سورگی

۱۲ سال پیش در سیام
فروردین ۱۳۵۲ در خیابان شاه خاش
خون پاک انقلابی اسیران در تپه های
اطراف شکنجهگاه اوین بر زمین
ریختند. در این روز ۷ چریک فدایی
اسیر: بیژن جزئی، عباس سورگی،
حسن شبانظری، عزیز سمردی،
محمد چوپانزاده، مشوف (سعید)
کلانتری و احمد جلیل افشار همراه
۱۲ اسیر مجاهد خلق: کاظم ذوالانوار و
مصطفی جوان خوشدل به تست
دوخیان دیکتاتوری وابسته شاه،
بر فراز تپه های اوین سرفرازانه
بشهادت رسیدند و خون پاکشان را
قدیبه رهایی خلق در زنجیر ایران
نمودند.

فدای شهید بیژن جزئی و
یارانش با مبارزه و مقاومت در برابر
دشمن شد خلقی و سرانجام با شهادت
خود، نایب آخر پادشاهان انقلابی
خویش پای فشردند و خاطراتی
فراوانی ناپذیر در تاریخ معاصر ایران
از خود بر جای نهادند. بدیهی است که
سویستفاده های خانانهای متحرفان
راست و باند های خیانکار و صهباری
که با به حدس با ارتجاع خودخواه
خبیثی در سرکوب انقلاب پرداختند و
با دست در دست محافظ نظام پرست
امپریالیستی و رژیم ضد بشری خمینی

و رودر روی مقاومت سلحشده ای
انقلابی و رهبری آن، بدترین
خیانتها را مرتکب شدند، هرگز نام
این قهرمانان را که سرخشان با
ابورتونیم به مبارزه برخاستند
غبار آلود نغواهد ساختن و آوارمان
شهید بیژن جزئی و یارانش
- همچنانکه راه شهدای حماسه آفرین
سپاهکل و دیگر شهدای به خون
ظریفی فدایی - اینک توسط
همرزمانشان در سازمان چریکهای
فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)
که بر مبنای مبارزه مسلحانه انقلابی
پای می نهند و راه سرخ یارانانشان را
در صفوف آلترناتیو دمکراتیک -
انقلابی (شورای ملی مقاومت) دنبال
می کنند، همچنان ادامه دارد. تاریخ و
مردم ایران و انقلابیون این معین برای
همیشه از فدائیان شهید و پیشانی
هم چون بیژن جزئی، سعید
احمدزاده و پرویز پویان به بزرگی یاد
خواهند نمود.

در چهاردهمین سالگرد شهادت
این فرزندان رشید خلق بادشان را
گرامی می داریم و بر یار هروان راستین
راهشان در سازمان چریکهای فدایی
خلق ایران پیرو برنامه (هویت)
آرزوی موفقیت می کنیم.

تصحیح و پوشش

در مقاله باندشقه شده توکل - زهری در شماره ۵۶ نبرد خلق
ستاسفانه تعدادی غلط چاپی وجود دارد که بدین وسیله تصحیح
میشود.

صفحه	ستون	سطر	غلط	درست
۶	۲	۴۴	تلفیفات	تعدیلات
۷	۲	۷	اتحاد	اتحاد
۷	۲۰	۲۱	وحدت	وحدت
۸	۳	۱۷	البنه	البنه
۱۱	۱	۳۱	شخصی	شخصی
۱۱	۱	۳۳	خود	خود
۱۱	۳	۱	تاثیر	تاثیر
۱۱	۳	۹	خلعت	خلعت
۷	۲	۴۹	جمله	این جریان نسبت به مسائل مطروحه در بالا بنیان می نمانیم" باید پس از کلمه موضع اضافه شود.
۸	۲	۱۲	بعد از کلمه یکمتری	"توکل" اضافه شود.

اطلاعیه

رژیم خمینی پس از شکست مفتوحانه اش در جنگ
ایران و عراق و قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل
متحد، به قتل عام زندانیان سیاسی ایران دست زد که
اخبار آن تاکنون توسط مقاومت ایران وسیعاً پخش
شده است. افشا - این جنایت بزرگ، سبب محکومیت
مداوم رژیم خمینی در نیادهای بین المللی مدافع
حقوق بشر شده است. اکنون رژیم خمینی در سداد است تا
پرونده ۱۵ هزار زندانی سیاسی دیگر راجت بررسی
قرار دهد. در قتل عام زندانیان سیاسی ایران، بیشترین
قربانی از زندان گوهردشت (اطراف تهران) بود. برای
انتخاب قربانیان این جنایت، رژیم هیئتی مرکب از
نمایندگان "شورای قضایی"، "حکام شرع"، "اداستانی
و" وزارت اطلاعات" مامور نموده بود. معضراتی که
هیئت های مربوطه در انتخاب قربانیان جنایت خود
داشتند به قرار زیر بود:

- ۱- کلیه زندانیانی که بیش از یکبار دستگیر
شده بودند.
- ۲- کلیه زندانیان سر موضع گمانی که حاضر به توبه
نشده بودند.
- ۳- کلیه زندانیان مسئله دار (گمانی که توبه آنها
از نظر رژیم قابل قبول نبوده است)



فر برابر شمر می آیند
خانه را روشن می کنند
و می میرند.

- ۵- کلیه زندانیانی که با رژیم در زندان همکاری
نمی کردند.
- ۶- هیئت مربوطه در موارد متعدد تعداد زیادی از
زندانیان را خارج از این معیار هانبر برای قتل عام
انتخاب کرده است. اساساً ۷۸ نفر از زندانیان سیاسی
که توسط رژیم قتل عام شده اند، برای اطلاع عموم
اعلام میشود. این اساسی از بین یک لیست ۱۶۷ نفری
که توسط یکی از واحدهای سازمان مادر تهران (واحد
فدایی شهید منصور اسکندری) جمع آوری شده و تاکنون
در مطبوعات فارسی زبان اعلام نشده، انتخاب شده
است.

- ۳۴- تهمنه ستوده
- ۳۵- سعید حریریان
- ۳۶- نظری
- ۳۷- علی شجاعی (در ملایر اعدام شده)
- ۳۸- امیر تقی
- ۳۹- سعیدیان
- ۴۰- مهرداد بخشنده
- ۴۱- فلاح
- ۴۲- مختار آذر
- ۴۳- حمید سلحشی
- ۴۴- محمود نظری علی
- ۴۵- بهرام رفیع پور
- ۴۶- محمد جناب زاده
- ۴۷- ماهرشاه زاده
- ۴۸- علی ابوزی
- ۴۹- سعید عباسی زاده
- ۵۰- محسن یمنی
- ۵۱- حسن امیدی
- ۵۲- پارسایور مقصودی
- ۵۳- محمود ابراهیمی قلعه
- ۵۴- نفیسه روحانی
- ۵۵- حسن کمیلی
- ۵۶- میر یعقوب یوسف زاده
- ۵۷- جواد نفیسی
- ۵۸- محمد مرادی کرمانی
- ۵۹- سعید ابوالفضل هاشمی نسب
- ۶۰- محمد مهدی داروغه
- ۶۱- مرضیه زرگر
- ۶۲- مرتضی آثاری
- ۶۳- سعید صفاری

- ۱- مظفر حسینی
- ۲- محمد عزیز زاده رفیع
- ۳- قزاق سیمین
- ۴- سعید علی پژمان
- ۵- داوود حجتی
- ۶- عباس رشیدی
- ۷- امیر توانا
- ۸- مهرداد افروز زاده
- ۹- قربانعلی لشکری
- ۱۰- حاجت محمدپور
- ۱۱- مهرا ن قدک
- ۱۲- بیژن بازرگان
- ۱۳- کریم نادری قیش آبادی
- ۱۴- سعید علی راست
- ۱۵- سعید مهرعلیان
- ۱۶- حجت الله الهیان
- ۱۷- بهمن روحانی
- ۱۸- محمد علی گرمی
- ۱۹- جهانپخش سرخوش
- ۲۰- بیژن اسلامی
- ۲۱- غلامرضا خوشام
- ۲۲- محمد پرویزی
- ۲۳- احمد رضا بیگ محمدی
- ۲۴- علی حسین زاده
- ۲۵- جهانگیر نورعلی
- ۲۶- عباس سلیمانی
- ۲۷- محمود قاضی پور
- ۲۸- امیر هوشنگ صفائیان
- ۲۹- سعید منصور نجفی شوشتری
- ۳۰- منصور توسلی
- ۳۱- ابرخ خسروی
- ۳۲- محمدرضا جانفشان
- ۳۳- فروغ نظری

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)
۱۵ فروردین ۶۸ - ۲ آوریل ۱۹۸۹

کمک های مالی دریافتی

۴	۲۰ دلار	ویرجینیا
۵	۲۰ دلار	ویرجینیا
۶	۲۰ دلار	ویرجینیا
۷	۲۰ دلار	ویرجینیا
۸	۵۰۰ دلار	فلوریدا
۹	۶۰۰ دلار	از آلمان غربی
۱۰	۶۰۰ دلار	رقای هوادار در آلمان
۱۱	۳۰۰ کرون	از دانمارک
۱۲	۳۰۰ کرون	رقای هوادار در دانمارک
۱۳	۲۴۰ فرانک	فرانسه
۱۴	۱۰۰ کرون	م
۱۵	۲۰ دلار	آمریکا

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیستاز هبار زات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

حماسه مبارزه، مقاومت، شهادت بیژن جزئی و همزمانش همیشه الهام بخش مبارزان راه‌رهای طبقه کارگر و محصلان میهن ما خواهد بود.

دری ام فروردین سال ۵۴، ۷ رزمنده اسپر و قهرمان فدایی، به‌مراه دومجاهد اسپرو دلیر توسط مزدوران ساواک شاه بشهادت رسیدند. خون رقصای فدایی، بیژن جزئی، حسن شیبانی، عزیز سمرندی، مشعوف (سعید) کلانتری، عباس سورکی، مجتهد جویبارزاده، احمد جلیل افشار و مجاهدین خلق، کاظم ذوالنوار و مصطفی جوان خوشدل بر زمین ریخت، تا بدر آگاهی پرورش یابد و نهال آزادی بارور شود.

رفیق بیژن جزئی، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های جنبش کمونیستی ایران بود. وی نقش بسیار فعال و موثر در ایجاد جنبش مسلحانه انقلابی در میهن ما داشت. از رفیق جزئی آثار پرارزشی برجای مانده که نشان دهنده خلاقیت و ایمان وی به راهی نوده‌های محروم و ستمدیده ماست. بسیاری از اپورتونیست‌ها، که در زمان حیات رفیق جزئی، با اندیشه‌ها و نظرات او، بدعت مخالفت می‌کردند، اکنون پس از شهادتش، ضرورتی بی‌ادامی می‌کنند، اما جوهر اندیشه‌های رفیق جزئی که سازمان ما اکنون ادامه دهنده آنست آنقدر صریح و روشن است که اپورتونیست‌ها مجبورند با لایحه علنا علیه ایده‌های رفیق جزئی موضع‌گیری نمایند. در سالروز شهادت رسیدن این رفقا، بخشی از نوشته‌های رفیق بیژن جزئی که مربوط به رابطه رژیم شاه با کشورهای سوسیالیستی است را به اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می‌کنیم. واضح است که بیژن در شرایطی نظراتش را در این رابطه نوشته که هنوز جنبش انقلابی در سطح کنالترناتیو تکامل نیافته بود. بنابراین وی حق داشت که در آن شرایط خواست قطع رابطه دیپلماتیک را مطرح نکند. اما وی در همانجا اشاره می‌کند که با رشد و تکامل جنبش و وظایف کشورهای سوسیالیستی نیز در رابطه با جنبش انقلابی تکامل می‌یابد. بهرحال با توجه به اینکه سیاست اتحاد شوروی در مقابل رژیم خمینی نیز یک سیاست انحرافی است، آشنایی با دیدگاه‌های رفیق جزئی در رابطه با سیاست‌های کشورهای سوسیالیستی از این جهت که ما مدافع جوهر هسته مرکزی این ایده هستیم، برای آشنایی فعالین جنبش انقلابی با نظرات ما می‌تواند مفید باشد.

دیدگاه رفیق جزئی در رابطه با مناسبات کشورهای سوسیالیستی با رژیم شاه:

"کشورهای سوسیالیستی از رابطه خود هدفهای زیر را دنبال می‌کنند:

۱- در رقابت اقتصادی با غرب بازار قابل توجهی را از دست انحصارات خارج کرده‌اند.

۲- با گسترش مناسبات اقتصادی به رشد اقتصادی خود کمک کرده‌اند.

۳- می‌توانند این فکر را نیز بخود راه دهند که با گسترش این مناسبات از یکسو به استقلال اقتصادی ایران کمک کرده‌اند و از سوی دیگر با افزایش قدرت بخش دولتی زمینه گرایشهای "سوسیالیستی" را در برابر "سرمایه‌داری" در سیستم موجود تقویت کرده‌اند.

۴- همچنین می‌توانند فکر کنند که با گسترش این روابط ایران ناچار است سیاست خود را به نفع آنها

در منطقه تعدیل کرده و حتی در سیاست داخلی خود حد و حدودی را رعایت کند. بنظر ما، هرگاه کشورهای سوسیالیستی چنین هدفهایی را دنبال کنند از شناخت عمیق و اصولی سیستم حاکم در ایران غافل مانده‌اند و به تحولات جهانی در مورد کشورهایمانند ایران نیز بی‌توجه‌اند. سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران وحدت و وابستگی ایران به انحصارات و محافل امپریالیستی را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است. رابطه با شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در چنین زمینه‌ای تحقق می‌یابد. در حالیکه وحدت با غرب اساس وریشه‌ای است، همکاری با شرق سطحی و فرعی است. رشته‌های وابستگی ایران به غرب هر روز در حال افزایش است. در ازای یک قدم که شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بر میدارند دو قدم و حتی بیشتر محافل اقتصادی غربی به پیش می‌روند. "دولت" ایران و بخش دولتی صنایع و بازرگانی بخش‌هایی از بورژوازی کمپرادور ایران است. همانگونه که تضادهای رژیم ایران با فلان یا بیمان امپریالیست نمی‌توانند به اساس روابط و وابستگیهای ایران با غرب استعماری آسیب برساند همکاری با شرق نمی‌تواند سیستم سرمایه‌داری وابسته را دگرگون سازد.

مادر برابر دودیدگاه فوق این رابطه را بنحویزیر بررسی می‌کنیم:

۱- از این رابطه کشورهای سوسیالیستی برای گسترش و رشد اقتصادی خود استفاده میکنند.

۲- ایران از این روابط برای ثبات اقتصادی و سیاسی خود بهره‌مند می‌گردد.

۳- نه شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر می‌توانند در وابستگی ایران به غرب، سیاست

منطقه‌ای و بخصوص سیاست داخلی آن اثر چشمگیری بگذارند و نه ایران می‌تواند شوروی و دیگرها را با این روابط اقتصادی بسود خود کنترل کند. هر دو طرف آگاهانه به نداشتن وحدت اصولی با یکدیگر اعتراف دارند و روابط آنها می‌تواند بایک بحران مختل شده و حتی به برخورد سیاسی منجر شود. بنابراین ایران توجه دارد که از نظر اقتصادی تا مرحله‌ای پیش رود که حیات اقتصادی اش وابسته به شرق نشود. قطع این روابط می‌تواند به ایران آسیب اقتصادی رساند و لسی با توجه به روابط همه جانبه با غرب این آسیب به راحتی قابل جبران است همچنانکه قطع این روابط و با کاهش آن نمی‌تواند به اقتصاد شوروی با دیگران آسیب رساند. آنچه میماند نتایج و آثار سیاسی این روابط است.

ترهیدی نیست که جنبش انقلابی ایران از دوستی رژیم با این کشورها آسیب می‌بیند، چه تأکید این دولتها از ایران وجه ثبات اقتصادی ناشی از این روابط به زیان جنبش انقلابی است. در مرحله فعلی مبارزه توقع ما از شوروی، چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی بشرح زیر است:

۱- ما خواستار قطع رابطه دیپلماتیک و با جنگ تبلیغاتی بین ایران و این کشورها نیستیم و از این جنگ طرفی نخواهیم بست.

۲- ما می‌خواهیم که دولت‌های سوسیالیستی بهیچ قیمتی برنامه‌های رژیم و منشی داخلی و منطقه‌ای او را تأیید نکنند و به کنیف‌ترین دیکتاتوری منطقه روی خوش نشان ندهند. ادامه روابط بازرگانی با ایران

خمینی مأمور به نتیجه

از صفحه ۹

می‌کند و می‌گوید: "من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچکس در هر مرتبه‌ای که باشد، عقد اخوت نمی‌توانم. چهارچوب دوستی من در درستی راه فرزند نیستم است. دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. کسانی که از منافقین و لیبرالها دفاع می‌کنند، پیش ملت عزیز و شهید دانه ما، راهی ندارند. روز ۷ فروردین اسما، منتظری "حسب الامر" خمینی استعفا می‌دهد. بدین ترتیب خمینی با حذف منتظری: "افسانه" فتنای بازیاسی و "ترمال" شدن رژیمش را نیز کاملاً به بايگانای تاریخ سپرد. خلاصه کنیم، آن برنامه امپریالیستی - ارتجاعی که از مدت‌ها قبل از قبول قطعنامه ۵۹۸ از طرف رژیم خمینی، طرح ریزی شده بود توسط باندهای قدرتمندی از درون حکومت پیگیری می‌شد، با عملیات کبیر فروغ جاویدان اساساً درهم ریخت. از این عملیات تا حوادث ماه اسفند و فروردین، رژیم خمینی عوارض خورن زهر آتش بی‌ضربه عملیات فرورغ جاویدان را بروز می‌داد. طرح "ترمال" شدن شرایط گرچه از نظر مقاومت انقلابی مردم ایران در شرایط رژیم ولایت فقیه غیر "عملی"‌ترین طرح است، اما به واقع تنها راه ضد انقلابی برای نابودی جنبش انقلابی مردم ایران و خروج موقتی از بحران است، اما اساس این طرح باید بر نفی "ولایت مطلقه فقیه" متکی باشد، برای اجرای این طرح همچنین باید مقاومت مسلحانه انقلابی مردم شکسته شود. اما حقیقت اینست که هم مقاومت انقلابی مسلحانه پابرجاست و هم خمینی تصمیم ندارد با پای خود به گور رود. پس مبارزه و کشاکش هم در عرصه مبارزه بین با لایحه بین با لایحه و هم در عرصه مبارزه بین با لایحه و یاشینی‌ها ادامه خواهد یافت. خمینی در روزهای اخیر گفته است که او مأمور به وظیفه است و نه به نتیجه. این بزرگترین دروغ خمینی است. روزهای آینده معلوم خواهد شد که خمینی مأمور به نتیجه است. او همه تلاش خود را خواهد کرد تا رژیمش را نجات دهد. اما برای خمینی "ثبت تاریخ در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هائل"، انقلاب حرف آخر را باید بزند و خواهد زد.

مردم ایران
رژیم خمینی به کشتار زندانیان سیاسی ادامه می‌دهد. مبارزه متحد و یکپارچه شما، می‌تواند به این جنایت بزرگ تاریخ بشری خاتمه دهد. برای توقف قتل عام زندانیان سیاسی، برای سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی، مقاومت انقلابی مسلحانه را از هر طریق ممکن یاری کنید.
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
س.ت-۴ پیرو برنامه (هویت)

بهیچوجه محتاج خوش آمدگویی به رژیم ایران نیست. ۳- ما می‌خواهیم که محافل اجتماعی کشورهای سوسیالیستی مانند محافل اجتماعی اروپای غربی به جنایات رژیم ایران اعتراض کنند و افکار عمومی این کشورها از آنچه در ایران می‌گذرد آگاه گردند. در مراحل بعدی جنبش، بار شد جنبش انقلابی ترهیدی نیست که نحوه برخورد کشورهای سوسیالیستی با جنبش و با رژیم بسود مردم ما باید دگرگون شود. آنچه که در مراحل نهایی در برابر رژیم و برشود امپریالیسم و قدرتهای امپریالیستی به وظایف برادرانه خود در برابر مردم ایران عمل نمایند. بهر حال در هیچ مرحله‌ای ما نمی‌خواهیم که دیگران ما را آزاد کنند و با بجای ما مبارزه یا نبرد کنند. حال اگر منافع و استراتژی برخی از کشورهای سوسیالیست ایجاد کند که آنها تقاد ما با امپریالیست‌ها را تساهل دیده گرفته و در کنار رژیم و یا قدرتهای امپریالیستی در این منطقه موضع بگیرند طبیعی است که مستقیماً با منافع انقلاب ما برخورد خواهند کرد.



توضیح: برکناری منتظری بازتاب های متفاوتی در مطبوعات جهان داشته است و مابرای اطلاع خوانندگان نشریه سه مورد از آنرا چاپ می‌کنیم.

در ایران، اخراج يك نفر سبب تقویت فرد دیگری شده است

روزنامه رکورد (روزنامه سحلی نیوجرسی)
پنجشنبه ۲۰ مارس ۱۹۸۹

اخراج رهبر مذهبی ایران، جانشین تعیین شده خمینی، ممکن است منجر به گسب قدرت بیشتر برای سخنگوی مجلس که در سیاست خارجی میانه رو و در سیاست داخلی رادیکال است، گردد.

استعفاي آیت الله حسین علی منتظری در روز سه شنبه به ۴ سال کشمکش داخلی در میان رهبران مذهبی برای جانشینی خمینی که ۸۸ ساله است خاتمه داد اما با اینحال راه را برای جنگ روحانی-سیاسی سختی برای تصاحب رهبری پس از مرگ خمینی بازگذاشت. برای سخنگوی پارلمان اینک يك رقیب جدی از میان برداشته شده است. بنظر میآید که هیچ فرد واحد شرایط دیگری مانند رفسنجانی در ایران وجود ندارد که پس از مرگ خمینی قدرت را تصاحب کند. حتی اگر رفسنجانی يك رهبری روحانی نباشد اما بعنوان رئیس جمهور، که انتظار می‌رود در تابستان به آن منصوب گردد. موقعیت خود را مستحکم میکند. تحلیل‌گران خارجی به دفعات رفسنجانی را به عنوان يك میانرو به حساب آورده‌اند که در صف پیچیده دواروختنکی که از افرادی که موقعیت رهبر آینده ایران بودن را دارند، وجود دارد. این نقطه نظر در چارچوب سیاست خارجی البته صحت بیشتری دارد اما در سیاست داخلی ایران رفسنجانی سختگیر و رادیکال است. رفسنجانی سه سال پیش در تلاش برای بهبود روابط با آمریکا که به جریان ایران-کانترا منتهی شد، در صف جلو قرار داشت. او همچنین ایده "گشایش به غرب" را پس از آتش بس در جنگ ۸ ساله ایران و عراق رهبری کرد.

با وجود اینکه ظاهراً خمینی به این سیاست پشت کرده است اما خواهد برای تضعیف شدن بعنوان معاون فرمانده کل قوا بسیار کم است. بهر حال بسا اینکه وقوع پرحادثه‌ای در منهای در هم - برهم سیاست اسلامی ایران وجود دارد يك نشانه مهم از قدرت بودن رفسنجانی وجود دارد و آن اینکه او با پسر خمینی احمد، روابط بسیار دوستانه دارد. احمد قدرتی ست سایه گونه که در پشت پرده خودنمایی میکند.

رفسنجانی بدلیل سیاست های رادیکالش در داخل

ایران این موقعیت را کسب کرده است. او هنوز عناصر بسیار مهمی را در سپاه پاسداران تحت کنترل دارد. هم چنین اعدام زندانیان سیاسی هنوز بعنوان يك سلاح سیاسی مورد تأیید اوست.

واشنگتن پست ۲۹ مارس ۱۹۸۹
نویسنده: دیوید اتودی

آیت الله حسین علی منتظری جانشین خمینی که رهبر مذهبی و سیاسی ایران است روز گذشته استعفاي خود را اعلام کرد. حرکتی که نشانگر يك پاکسازی گسترده از انتقاد کنندگان داخلی انقلاب و کسانی که طرفدار گشایش درها بروی غرب می‌باشند است.

مقامات آمریکایی و صاحب نظران ایرانی گفتند که سقوط منتظری نمایانگر يك تغییر بزرگ و مهم در رهبری ایران و سخت گیری بیشتر در مورد رابطه با غرب است. خصوصاً رابطه با آمریکا که امید آرزایشن گروگانها را از بین می‌برد. مقامات ذکر شده گفتند که وقتی منتظری به این سادگی کنار گذاشته میشود "چه کسی میدانند در چند روز آینده چه کسان دیگری ممکن است کنار گذاشته شوند".

شیرین هانتر که متخصص در امور ایران است گفت که برکناری منتظری مانند باز شدن "جعبه جادو" می‌باشد که در جنگ قدرت بین "رادیکالها" و کسانی که غرب به آنها "میانرو" می‌گوید وجود داشت. برکناری منتظری پرده از اختلافات این دو جناح برداشت.

اولین سوالی که پس از شنیدن این خبر به ذهن می‌رسد چگونگی موقعیت رفسنجانی سخنگوی پسر قدرت پارلمان است کسی که به گفته منابعی از ایران محبوبیت خود را در چند هفته اخیر نزد خمینی از دست داده است. شیرین هانتر این نظر را تأیید میکند و می‌گوید که موقعیت رفسنجانی سخنگوی پسر قدرت ایران در خطر است. منابع ایرانی گفتند که چندین دلیل وجود دارد که نشان می‌دهد خمینی می‌خواهد از رفسنجانی سلب قدرت کند که یکی از دلایل برکناری از مقام نماینده خصوصی خود در سپاه پاسداران است. رفسنجانی بعنوان جانشین فرمانده کل قوا در پارلمان ایران است. انتظار می‌رود که او در انتخابات ژوئیه آینده بعنوان رئیس جمهور انتخاب شود.

استعفاي ناگهانی منتظری رهبری آینده ایران را مبهم میکند. منابعی از ایران گفتند که ممکن است شورایی شامل ۳ تا ۵ نفر ایجاد شود که قدرت را بدست گیرد.

استعفاي منتظری بدنبال استعفاي محمد جواد لاریجانی معاون وزیر امور خارجه و محلاتی سفیر ایران در سازمان ملل متحد صورت گرفت. این دو نفر از تحمیل کردگان آمریکا هستند و خواستار برقراری روابط ایران با واشنگتن بودند. رادیو تهران گفت که منتظری نامه‌ای به خمینی نوشته است و طی آن گفته است که خود را مناسب جانشینی او نمی‌داند. خبرگزاری ایران بعداً نامه منتظری به خمینی را منتشر کرد. در این نامه منتظری خطاب به خمینی گفته است که "دستور ترا اجرا میکنم" او به نامه‌ای اشاره میکند که روز یکشنبه خمینی به او داده بود. خمینی از او خواسته بود که استعفا دهد. منتظری

در نامه خود گفته است که "ادامه حیات و تثبیت جمهوری اسلامی مستلزم اجرای دستورات تو است" او گفته است که من از اول خواستار پذیرش این مقام بخاطر مشکلات متعدد و مسئولیت های سنگین رهبری نبوده‌ام. خمینی در جواب به منتظری گفته است این مقام لازمه داشتن قدرتی است که از توانایی تو خارج است و به منتظری یادآوری میکند که تو من هر دو این موضوع را قبول داشتیم" و از او بخاطر استعفايش تشکر کرده و گفته "حالا بهتر است بروی خانه‌ات را از وجود افراد ناباب پاک کنی و بطور جدی رفت و آمد مخالفان سیستم به خانه‌ات راقطع کنی."

منتظری در مورد روابط خارجی موضع رادیکالی دارد زیرا از سبدهای حمایتی می‌گردد و در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی میانرو خوانده میشود و بتازگی نیز نسبت به اعدام زندانیان سیاسی اعتراض کرده بود.

..... مقامات آمریکایی گفتند که خمینی صرف نظر از پیری و بیماری مصمم است که چرخهای انقلاب را در دست خودش داشته باشد و آنرا به سمت سیاستهای رادیکالانه خود در داخل و خارج بچرخاند.

خمینی پاکسازی می‌کند، و آینده ایران را سردرگم

نیویورک تایمز

یکشنبه ۲ آوریل ۱۹۸۹

نویسنده ایلین سیولینو

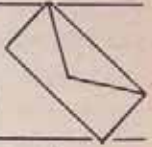
وقتی آیت الله خمینی در ماه مه سال ۱۹۸۱ رئیس جمهور ایران، ابوالحسن بنی صدر را برکنار کرد گفت که پیامبر ما محمد اگر دختر و یا پسر مرتکب جنایتی شده بودند دست آنها را قاطع می‌گزد. او گفت که "روزی که من جمهوری اسلامی را در خطر ببینم دست همه را قاطع خواهم کرد".

هفته گذشته ظاهراً خمینی آنچنان تهدیدی را نسبت بخود از شاگرد سابقش که دوست مورد اعتماد او نیز بود احساس کرد که او را بدون تشریفات از مقام جانشینی خود برکنار کرد.

بنگاه مردی که آیت الله خمینی او را "مشره زندگی من" خطاب می‌کرد، مورد انتقاد شد. عکس او که در کنار عکس خودش بعنوان دوست قابل اعتمادش در ادارات دولتی آویزان بود فوراً و یکشنبه برداشته شد.

سقوط آیت الله منتظری از مقامش نشانگر جابجایی مهمی در رهبری روحانیت در انقلاب ده ساله این کشور بود. این دلیلی ست بر اینکه وقتی عفت انقلاب در خطر است هیچکس در امان نیست.

اما در اینجا يك سوال مهم بوجود می‌آید: چه کسی مناسب رهبری ایران در دوران بعد از خمینی خواهد بود؟ حتی اگر به منتظری فرصت داده شده بود که جانشین خمینی شود اوقات صلاحیت مقام پسر آب و تاب دار مذهبی دوستش خمینی بود. و هرگز نمی‌توانست ایران را به همانگونه رهبری کند و حال نیز ثابت شده است که هیچ فردی در گروه دیگری نمی‌تواند روی مسائل مهم سریعاً تصمیم گیری کند و مانند خمینی کنترل را در دست بگیرد. بنابر فائون اساسی ایران، این وظیفه ۸۰ نفر عضو مجلس خبرگان است که فرد دیگری را انتخاب کنند و اگر آنها



نامه‌ای از ایران

از صفحه ۱۲

یک نمونه آنکه به عینده ما دیده‌ام همان همسایه خانه ۰۰۰ است. این زن و بچه کوچکش که پیش از ۴ یا ۵ سال ندارد فقط دلش را خوش کرده بود به یگانه عکس شوهرش. قبل از اینکه جریان عکس و عکس العمل آنرا برایت بگویم که خیلی جالب است باید بدانسی اینگونه افراد را که اعدام کرده‌اند به هیچوجه در قبرستان عمومی خاک نکرده و نمی‌کنند و اساساً جنازه‌ها را به صاحب مقتول نمی‌دهند که در محل مورد نظر خود دفنش کنند. روش کار اینها اینست که همسه جنازه‌های این افراد را در محلی که من آنرا نمی‌دانم بنام " لعنت آباد " خاک می‌کنند. بعضی‌ها می‌گویند گور دسته جمعی و بعضی‌ها می‌گویند بطور مجزا. مبرحال روی قبر آنها نه سنگی است نه علامتی و نه آثاری که معلوم شود قبر مربوط به کی است. حتی خودشان هم نمی‌دانند کی کجا خاک شده فقط این قسمت زمینی که بنام لعنت آباد است و معلوم است خاکها کشته شده بعد پر شده و زمین هم سطح است مربوط است به آرامگاه ساجدین. در ابتدا هر کسی می‌خواست برای عزیزش عزاداری کند محرمانه و بی سروصدا بدون اینکه بداند قبر شوهرش یا فرزندش کجاست یک گوته زمین را انتخاب می‌کرد و آهسته و بی‌معماد گریه می‌کرد در حالی که نمی‌دانست عزیزش در کجا دفن شده و اما ماسورین که خودشان همه ایرانی و آشنا و هموطن این بیچاره‌ها هستند از این کار هم جلوگیری می‌کردند یعنی هیچکس حق ندارد در آنجا و یا جای دیگر حتی در خانه‌اش عزاداری کند اما همین همسایه خانه ۰۰۰ گویا شهادت فوق العاده ای داشته زیرا با عکس شوهرش علی‌رغم دستور آنها به همراه عده دیگری که آنها همه شوهرانشان بهمین نحو مقتول و در آنجا مدفون گردیده‌اند برای عزاداری به محل مورد نظر یعنی همین لعنت آباد می‌روند و طبق معمول بدون آنکه بداند قبر شوهرانشان کجاست دسته جمعی در گوشه‌ای می‌نشینند و شروع به گریه و زاری می‌کنند حالا بر می‌گردیم به جریان عکس شوهر همسایه ۰۰۰ گفتیم که این زن که تنها دلخوشی و دلگرمی‌اش عکس شوهرش بود که این عکس را با خود به محل مزبور برده بود با اینکه اینها و این زن صبح خیلی زود قبل از ورود ماسورین، آمده بودند پس از چند دقیقه که معلوم نیست کی آنها را خبر کردند به محل مزبور حمله می‌کنند و همه این زن‌ها را محاصره می‌کنند و علاوه بر اینکه از عزاداری آنها جلوگیری می‌کنند از یک یلک آنها می‌خواهند که کتاب تعهد بدهند که دیگر به محل فوق مراجعه نکنند و عزاداری هم نکنند و الا همه بازداشت خواهند شد. ناچاراً برای آنکه خود آنها هم به سرنوشت شوهران یا فرزندانمان مبتلا نشوند همه تعهد می‌سپارند جز همان همسایه ۰۰۰ که زیر بار نمی‌رود و در نتیجه او را بازداشت و چشمش را می‌بندند و با ماشین می‌برند به همانجا که باید بیزند و اینطور که ما گفتند چندین روز یا شاید یک هفته از او خبر برداشتنند و اصولاً معلوم نبود که او را به کجا برده‌اند. پدر و مادر این زن هر کجا مراجعه می‌کنند جوابی به آنها نمی‌دهند و بعد از

حدود یک هفته پس از گرفتن عکس شوهرش و دیگر نمی‌دانم تعهد هم گرفته‌اند یا نه، او آزاد می‌کنند. حالا فکر می‌کنی جریان بهمین جا ختم شد، نه خیر این خانم در ادارای کار می‌کرد و تا این مدت که شوهرش زندان بوده خرج خودش و فرزند خردسالش از محل حقوقی که از این موسسه یا اداره می‌گرفته، اداره می‌شده حالا بجرم اینکه شوهرش مجاهد بوده و برای شوهرش عزاداری کرده بدون پرداخت دیناری به او از خدمت هم منقضی می‌کنند یعنی توبیخ می‌گیرند که برای شوهرت باید خود فرزندت از کورسنگی بمیری. ۰۰۰۰ به عقیده من که در این موارد بیطرف فکر میکنم اینها اگر یک نفر را کشتند و این بذرفضیلت با رژیم را در دل همه این خانو امها و بچه‌های بقیه آنها کاشته‌اند. همین هر کدام چقدر خانواده دارند و چند نفر در آینده به ضد رژیم اضافه خواهند شد. ۰۰۰۰ اما یک چیز را نمی‌شود فراموش و انکار کرد که اینهمه کتاب و تاریخ زندگی شاهان و زمامداران کشور ایران را که من خوانده‌ام تا بحال سابقه نداشته از ۵۰۰ سال به این طرف زمامداری شاهی ظلم کند و دست به کشتار افراد بیگناهی بزند و با لآخره کسی پیدا نشود که در موقع مناسب این شاه یا زمامدار ظالم را نکشد. ۰۰۰۰ دیت انتقام بلند است (ای کشته که را کشتی تا کشته شوی زار - تا باز که او کشته شود آنکه ترا کشت) ممکن است این انتقامها به تیره‌ها انجام نشود اما در محال شکی در آن نیست که وسعت انتقام بلند است و تازه تمام این شاهان و ظالمان بدست نزدیکترین کسان خود کشته شده‌اند. ۰۰۰ نمونه آنرا چندین ده مورد در خود این رژیم دیده‌ام نظیر قطب زاده‌ها و آخوندهایی که همه کاره رژیم بودند و بقول خودشان خدمت به رژیم کرده بودند، دست خود اینها کشته شدند و روزی هم ممکن است قضیه عکس شوهرش یکی از همین توطئه کنندگان که کارشان تا حالا نگرفتند موفق شوند و باز دسته بعدی ۰۰۰ خوب حالا قبل از این که با سایر مسائل سیاسی که اخیراً روی داده بپردازیم چون از داستان بالا کمی کسل شده‌ای حالا یک جریان یا واقعه‌ای که همین چند روز در اردیبهشت ایران بیستمین سالگرد انقلاب و محاصره شونده اتفاق افتاد و بی لطف نیست بشنوی چون ضمن اینکه کمی شیرین و خنده‌آور است لازم است از نظر آرایه‌های کلام و آرایه‌های فردی و اجتماعی موضوع را بررسی کنید و خودتان نتیجه‌گیری کنید و ببینید خفقان در اینجا تا چه حد حکم فرماست و هیچکس حق ندارد حتی مسائل روزمره و تفریحی سیاسی را هم حتی برای طنز، نظر خودش را بگوید. قبل از اینکه این داستان که اخیراً اتفاق افتاد را شرح بدهم باید قبلاً موضوعی را عرض کنم، در تلویزیون اینجا یک فیلم ژاپنی است که بطور سریال هر شبیه تنها نمایش می‌دهند که ماهی‌هاست طول کشیده و ضمن آن یک دختر که اسم او اوشین است و دارای پدر و مادر بی‌چیزی می‌باشد بر اثر فقر پدر و مادر از یکی از دهات ژاپن به تک و تنها به توکیو می‌رود و بعد از بدبختی‌های فراوان بالاخره آرایشگری رایدمی‌گیرد و از این راه راه درآمدی جزئی کسب و برای پدر و مادرش هم پول می‌فرستد. ۰۰۰ خوب حالا که متوجه شدید گوش کن به خبر داستان، چند روز قبل بود که روز تولد فاطمه زهرا بود. رپورتراهای رادیو تلویزیون شوی خیابانها راه افتاده بودند (ناگفته نماند که در این رژیم روز تولد فاطمه

زهرا را روز زن نامیده‌اند) و از مردم می‌پرسیدند که به نظر شما یک زن نمونه چه کسی است که مردم همه بگویند خوب معلوم است زن نمونه فاطمه زهرا میباشد و اگر هم می‌گفتند سربوبا و لمون کنید یا حوصله دارید ما خودمون هزار بدبختی داریم یا اصلاً نشان نمی‌داند یا به یک طریق ناگفته قطع می‌کردند اما نمیدانم چه شده و چرا یکی از خیرینگان معلوم نیست ترمدا یا سبوا یک مصاحبه را ضبط و بعد هم با اینهمه کنترل می‌کند که میشود در اردیبهشت کشتند که مثل توپ در تهران و ایران ترکیب که عده‌ای را بازداشت و حبس‌های طولانی مدت و اخراج و تشریف شلاق زدند. یکی از مصاحبه کنندگان از یک خانم می‌پرسد که خواهر بنظر شما زن نمونه کیست؟ آن زن در جواب مصاحبه کننده می‌گوید بنظر من زن نمونه خانم اوشین است. مصاحبه کننده می‌گوید پس بنظر شما حضرت فاطمه زهرا زن نمونه نیست و آن زن در جواب می‌گوید ای بابا فاطمه زهرا مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش است، اطلاعاتی از ایشان نداریم. اما می‌بینیم که خانم اوشین واقعا یک زن پسر کار و مطیع و مقتصد و دانا است. بعد مصاحبه قطع میشود اما همانطور که گفت معلوم نیست که چگونه این مصاحبه با همه کنترل‌هایی که میشود در اردیبهشت پیش شد پس از پیش آن اوضاع طوری شد که همه چیز به اطلاع مقامات بالا رسید. خلاصه دستورات و فرمانها و بخشنامه‌ها پشت سر هم صادر شد. ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ حالا جدا دارند عقب آن زن مصاحبه شونده که این حرف رازده یعنی فقط نظر خودش را حالا با شوخی یا غیره گفته می‌گردند. ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ الان دهه فجر است و جشن دهمین سال انقلاب و برقراری جمهوری اسلامی را گرفته‌اند شاید رادیوهای آنجا گفته باشند که چقدر برای این جشنها خرج شده و چقدر سهمان و ورزشکار و غیره دعوت کرده‌اند و آنچه تبلیغات پوچ و توخالی از خدماتی که در ظرف این دهه حلاله برای مردم کرده‌اند و قبحانه برای مردم شرح می‌دهند و از صدور انقلابشان به مسائل دیگر سخن می‌گویند من واقعا نمیدانم چطور میشود آنقدر دروغ گفت آنهم کسانی که دم از اسلام ناب محمدی می‌زنند و دروغ در اسلام بالاترین گناه و به گفته فقیه، دروغگو دشمن خداست ولی اینها خیلی راحت روزی ده هزار دروغ می‌گویند. گران سرام آور، بی‌خانمانی مردم در بدی و بی‌کاری اکثریت جامعه، کمبودها با نبود حداقل و مسائل غذا و لباس برای مردم، کشتار بی‌رحمانه، زندانهای بی حساب و بدون محاکمه، قحطی واقعی، نبود حداقل احتیاج مردم حتی یک لیتر نفت برای گرم شدن، ادامه جنگ خانمانسوز تا سرحد شکست از یک کشور ۸ میلیونی و کشته شدن بیش از نیم میلیون جوان ایرانی آینده‌ساز و ناقص‌العضو و فلج شدن یک میلیون جوان و بدبختی و در بدی جوانان در کشورهای دیگر همه اینها نتیجه این ده سال حکومت است حالا من نمی‌دانم کجای اینکار افتخار است که با بوق و کرنا بخورد مردم می‌دهند ولی همیشه برای همه دروغ نمی‌توان گفت، این امری است واضح و مسلم حداقل تاریخ را نمیتوان گول زد، چون همه چیز روشن است، شما شاید شنیده باشید که در اینجا حداقل در شبانه روز ۱۲ ساعت برق نیست و خاموشی است. وضع برق طوری است که واقعا صدای همه را در آورده. اما

خمینی مأمور به نتیجه

از صفحه ۲

در سالروز انقلاب بهمن، هر کدام از سران رژیم بنحوی
از گذشته ابراز ندامت می کردند. این آخرین تلاش
و تاجاج طرفداران "رسمال" کردن شرایط بود. اصحاب
"استحاله" شترزها به سمتی هدایت می کردند که چند
قدیمی بعد در خانه خمینی بخوابد. خمینی در مقابل
این گستاخی مزدورانش، مسلما باید عکس العملی
نشان می داد. با باید تسلیم می شد و فاتحه و لایست
مطلقه ققیه را می خواند و یابیه "اصل" خود باز می گشت.
سران رژیم در ابراز ندامت ها، پای خمینی راه می
میان می کشیدند. اردبیلی پیش از همه جلورفت. وی
ادامه جنگ پس از شکست عراق در خرمشهر و عقب
نشینی نیروهای عراق را امری غلط اعلام نمود و گفت
که خمینی نیز با ادامه جنگ "مخالف" بوده است.
منتظری طی یک سخنرانی در روز ۲۲ بهمن ۶۷، مطالبی
بیان نمود که برای رژیم و بخصوص شخص خمینی بسیار
گران تمام شد.

منتظری صریحا سیاست جنگی رژیم را شکست
خورده اعلام نمود. وی گفت "آیا در طول جنگ
تحمیلی توانستیم خوب تحمل کنیم؟ یا دشمنانی که
جنگ را تحمیل کردند پیروزانگار فراموشند، حساب
کنیم چقدر نیرو و آبرو ما از دست رفت. ۷۰۰ شهرا -
پس از ما خراب شد. اینها را حساب کنید و بعد ببینیم
اگر اشتباهی کرده ایم توبه کنیم. چه شاعرهایی دادیم،
که ما را در دنیا منزوی کرد و مردم دنیا را نسبت به ما
بدبین نمود. باید ببینیم اشتباه کردیم و بگوئیم ای
ملت ایران ما اینجا اشتباه کردیم و چه ایرادی دارد
مسئولی بگویند من اینجا اشتباه کردم. مادر جنگ
خیلی اشتباه کردیم. خیلی جاها لجاجتی کردیم
و شعارهایی دادیم که می دانستیم نمی توانیم آنرا انجام
دهیم و شعارهایی دادیم که دنیا را از خود ترساندیم.
جهانبیان خیال کردند در ایران کار ما فقط کشتن مردم
است." منتظری شما از سانسور حرفهایش پرده بر
داشت و گفت: "وقتی که کار به جایی برسد که
صحبت های من طلبه سانسور شود، وای به حال دیگران"
با توجه به اینکه خمینی بمناسبت سالروز انقلاب
پیامی نداد، صحبت های سران رژیم معنی خاصی پیدا
می کند. بخصوص وقتی موسوی اردبیلی می گوید: "من
جزو آنها نیستم که معتقدند آیکاش جانگردد و ارفتح
خرمشهر متوقف می کردیم" (روزنامه اطلاعات
۱۱/۱۹/۶۷) - و یا وقتی همین اعتراف می کند
که: "هنوز خود محورپها نمی گذارد ما خود را ببینیم
و اشتباهات را متوجه شویم. هنوز در مرحله ای هستیم که
تلاش می کنیم هر کس گناه را به دیگر می گذارد و
این برای من کسی تلخ است. باید این مرحله را هم
بگذرانیم و امیدوارم خدا کمک کند این مرحله را
بگذرانیم و اگر نگذرانیم، مصیبتی است. مثالی بسه
زبانم آمد. البته مثال خوبی نیست. مثل این است که
عدای، خانهای و آتش بزنند. بعد بپایند بجای اینکه
شیمان شوند و خورشید کردن آن با هم مساعدت کنند،
با هم بجنگند و این بگویند زدی و او بگوید تسوزدی
با لآخره خانه بسوزد. متاسفانه من چنین حالتی را
می بینم" (همانجا)

بهمانگونه که قبلا هم گفتیم، خمینی در آن روزهای
سخت، برای برداشتن قدم بعد، باید تصمیم می گرفت.
اگر بدینسان سرگردان زوشی می افتاد، باید در قدم
پیدی خود. ولایت مطلقه را نشی می کرد و تازه برای
آنچه باقی می ماند نیز پندهای وجود می داد. است
خمینی ثابت کرد که حقیقا به "ولایت مطلقه" اثر
کاملا پای بند است و هر کاری برای حفظ آن حتی اگر
لحظه ای قبل آنرا بزرگترین گناه شمرده باشد انجام
می دهد. بهر حال پاسخ خمینی به آن شرایط مشخص،
صدور فتوا علیه سلمان رشدی بود. روز ۲۵ بهمن ۶۷،
خمینی به صدور این فتوی ارتجاعی مبادرت ورزید.
بیچاره آن حزب الهیهای عقب افتاده و گوتنه بیسن
که نمی دانند و شاید سرنوشت دردناک آنان چنین
رقم خورده که هرگز ندانند این فتوا به حقیقا علیه
سلمان رشدی، که برای بازهم از کرده آنان سوزاری
کشیدن صادر شده است. خمینی در روز سوم اسفند ۶۷
پیام طولانی و مهمی خطاب به آخوندهای سراسر کشور
صادر نمود و از آن خواست تا وحدت خود را حفظ کنند.
خمینی به مضمون تکیه که گاه اجتماعی خود، یعنی
"روحانیت" منتقد به ولایت ققیه را در حال تلاشی
می بیند در پیام خود هشدار تکان دهنده به آخوندها
و وجوه آخوندهای طرفدار خود می دهد و می نویسد "حال
بخت این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث
تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگی است در
حوزه های چه باید کرد؟ گرچه کارمشکی است و لای
چاره چیست؟ باید فکری کرد. اولین وظیفه شرعی
والهی است که اتحاد و یکپارچگی طلب و روحانیت
انقلابی حفظ شود و گرنه شب تاریک در پیش است و بیم
موج و گردابی چنین هایل."

متن نامه منتظری به خمینی

مطهر به آن بزرگوار (عینی مد الله العالی)

پس از اسلام و ولایت مرفیقه شریفه ۱۳۸۸/۱۶ واصل شد. حسن لشکر از
ارشادات و رهنمائیهای حضرتعالی، به عرض میرساند که محظن باشد همانطور که از
آغاز مبارزه با کفر در همه مراحل همچون سر بازی های کاروان خود گذشته مطیع و فداکار
در کنار حضرتعالی و در مسیر اسلام و انقلاب اسلامی قدم برداشتم، اما یک تیر خود را
مسلح به این همه وظایف از مقام حضرتعالی می دانم. در برائت و نظام نظام جمهوری
ایلمی هیچکس قابل شک نیست که این انقلاب عظیم در سایه رهبری و ارشادات
حضرتعالی از خطرناکترین مہمگی گذشته و دشمنان را بازی همچون منافقین کودل که
دستگیر به خود میزدند و در نهایت در نهایت و در نهایت در نهایت در نهایت در نهایت
آنها را کشتار و سبای مطابقت و انقلاب و لایزال و کاروان کج فکر از صحنه
حاضر نموده است. آنها جنایت هولناک و ضربات رعبانگ کودل به کشور و ملت تر
ما فراموشی شبانی است و اگر نگذرد گویا آنها و پولا پویای بیگانه خیال میکند با

نامه خمینی به منتظری

"بسم الله الرحمن الرحیم، جناب حاجت الاسلام و المسلمین آقای منتظری
دامه الافاضه، سلام و آرزوی موفقیت برای شما، همانطور که نوشته ایم، مقام رهبری
جمهوری اسلامی کار مشکل و مسئولیت سنگینی است که تحملی بیش از طاقت شما
می خواهد و به همین جهت هم شما هم من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودیم و در این
زمینه هر دو مثل هم فکر می کردیم ولی خبرگان به این نتیجه رسیده بودند و من
نمی خواستم در محدوده قانون آنها دخالت کنم. از اینکه عدم آدگی خود را برای
مقام رهبری اعلام کرده اید، پس از قبول مصیبت از شما تشکر می نمایم. همه می دانند

که شما حاصل عمر من بوده و من شنیده به شما علاقمندم. برای اینکه انشاهات
گذشته تکرار نگردد به شما نصیحت می کنم که به تیر خود را از افراد صالح پاک لایه

چوسازها، ترا کاذب و شایعه پراکنی با نام اینجناب متبوانند به اهداف خود
برسد و در همسنگی ملت ما خلل ایجاد کند، سخت در اشتنا و واقع به تبسین
اینجناب به عنوان قائم مقام رهبری خود من از اول جدا مخالف بودم و با توجه
به کلاکت زیاد و سنگینی بار مسئولیت، همان وقت به مجلس خبرگان نوشتم که تبسین
اینجناب به مصلحت نبوده است و اگر نیز عدم آدگی خود را اعلام و از رهبری
تکلیف می کنم به شورای مجلس خبرگان دست بردارند که مصلحت انقلاب و آینده کشور
را با اطمانه در نظر بگیرند و به من اجازه فرمایند که همچون گذشته به عنوان یک طلبه
کوچک و حقیر در حوزه علمیه به تدریس و فعالیتهای علمی در خدمت اسلام و انقلاب
اشغال داشته باشم و اگر انشاهات و وعظهایی که لازمه طبیعت انسان است رخ داده
باشد، انشاء الله که با رهبری های جناب عالی مرتفع گردد و از همه برادران و خواهران عزیز
و علاقتند تقاضا می کنم که مادا در مورد تصمیم مقام معظم رهبری و خبرگان به عنوان
حمایت از من کاری انجام دهند و با کلمه ای بر زبان جاری نمایند، بر مقام معظم
رهبری و خبرگان جز غیر مصلحت اسلام و انقلاب رانی نخواهد. تقاضا دارم این
شاگرد مدغلی را همیشه از رهنمائیها و ارشادات ارزنده خود بهره مند و از دعای غیر خود
فراموش نفرمایند. ■■

۱۳۸۸/۱۷ - سیمین سطلی منتظری

و از رفت و آمد مخالفین نظام که به اسر علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی خود را جا
می زنند، جدا جلوه گیری کنید. من این تذکره را در فضیحه مبدی هاشمی هم به شما دادم.
من صلاح شما و انقلاب و در این می بینم که شما ققیی باشید که نظام مردم و مردم از نظرات
شما استفاده کنند. از پیش در وضعیتهای زان پویای بیگانه متاثر باشید. مردم ما شما را خوب
می شناسند و حیلته های دشمن را هم خوب درک کرده اند که با نسبت هر چیزی به
مقامات ایران، کینه خود را به اسلام نشان می دهند.

طلاب عزیز من آنه محترم جمعه و جماعات و روزنامه ها و روز پوئلغی و پوز پایه برای
مردم این فضیحه صادر و روشن کنند که در اسلام مصلحت نظام اسلامی است که مقدم
بر همه چیز است و همه باید تابع آن باشند. جناب عالی انشاء الله با صرف وقت خود به حوزه و
نظام گرم باشید. ■■

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱۳۸۸/۱۸ روح الله الموسوی العینی



صفحه ۱۸
شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۶۷ کهنای
۳ شعبان ۱۴۰۹
۱۱ فروردین ۱۳۸۸ - شماره ۱۳۵۶
به نمایندگی از جانب خود بر
سایه پاسداران انقلاب اسلامی
منسوب می نماید.
لازم است سائیل را به
شما و فرزندان عزیزم توضیح
گردد تا بید
دست و تاقیبی که در قانون
به عهد شما گذاشته شده است،
حالیته قیقا مراعات گردد و شما
به هیچوجه نباید از آن چشم
پوشی کنید. فرزندان سبها را
نیز نباید از قانون کوچک -
ترین تطقی تمانی.
آب نمایندگی شما در سایه
پاسداران، امر از استکری و
توری و وزارت سپاهیان،
لناجایعشائل مرتکب میشوید.
سیاسی و فکری و فعالیتهای
شلیعمانی و انتقاری و حیات
اطلاعات و مسائل قانونی دیگر
زیر نظر شما است و شما باید
هدایت شما موارد مذکور را
به عهد نگیرید.
۳ نامی فرزندان عزیز من
سبها عزیز فریادمان و سایرین
شما همگی های لازم را با نمایند
محترم این جانب داشته و منت

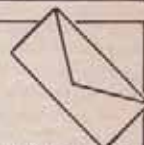
ملی حکمی از سوی امام امت حجت الاسلام عبدالله نوری به نمایندگی امام در سبها پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد

امام خمینی فرماتند مخلوقا
ملی حکمی حجت الاسلام حاج
فتح عبدالله نوری را به سمت
نایب خود در سبها پاسداران
انقلاب اسلامی منصوب کرده،
من حکم امام امت چنین
شرح است:
بسم تعالی
جناب حجت الاسلام آقای حاج
فتح عبدالله نوری با دست
افاضه، با یاد و گرامیداشت
عظمت شما، برای یکی از
برادران بزرگ نومت اسلامی
ایران مرحوم شهید حجت -
الاسلام آقای حاج فتح عبدالله
نوری که از یاران با وفای
این جانب و سخن گویدگان
دوران مبارزات خویشار انقلاب
اسلامی ایران و همچنین فردی

لیبرالهای "وطنی" که آنقدر بی پرستیم و بی
شخصیت هستند که از این "امامزاده" انتظار "معجزه"
دمکراسی دارند. کاریکه خمینی با فتوی اقل سلمان
رشدی و پیام به روحانیت طرفدار خود انجام داد، تسام
"نخ هاشمی که رفسنجانی و شرکاء داخلی و خارجی اش
رسیده بودند را بنده نمود، حوادث بعدی با سرعت
طی شد. روز ۱۷ اسفند ۶۷، کلیه روابط رژیم و دولت
انگلیس قطع شد. روز ۱۸ اسفند ۶۷، خمینی بکسی از
حزب الهیهای سورده اعتماد خودش بنام عبدالله
نوری راهم کاره
اختیاری که خمینی به نمایندگی خودش در سبها داد،
زیر پای رفسنجانی عملا خالی شد. روز ۲ فروردین ۶۸
خمینی بمناسبت پانزدهم شعبان پیام مهمی داد و در آن
به منتظری بدون ذکر نام حمله نمود و گفت من بر آن
هیچکس دوستی دائم ندارم. خمینی در پیام خود به
"ساده اندیشان سوچه" که همان منتظری است اشاره

خمینی در پیام خود با گفتن این مطلب که " من
در اینجا آزمادان و پیدران و خواهران و برادران وهمسازان
فرزندان شهدا و جانبازان بخاطر تحلیل های غلط
و لبر زورهای رسما معتذرت می خواهم." در مقابل سطل
صحبت های مزدوران رژیمش در سالروز انقلاب ۲۲
بهمن موضع گیری می کند و با حمله شدید به آنان که
خواستار "رسمال" کردن شرایط هستند می گویند:
" نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته شد. در
اظهار نظرها و ابراز عقیدهها به گونهای غلط عمل
کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی
دارد از مواضع اصولیش عدول می کند" وی سپس جوهر
و "پیام" اصلی پیامش را بر زبان می آورد و می گویند
" تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست
لیبرال ها بیافتد."
این درست است که خمینی یک دروغگوی شیاد
است که به هیچ چیز پایبند نیست، اما این حرف
آخرش را حقیقا راست می گویند. بیچاره این به اصطلاح

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای شکست ناپذیر است



نامه‌ای از ایران

نمی‌دانم چه شده در این ده روزه فجر برق از کجا آمده، خاموشی که نبوده هیچ، بلکه خودشان همه جا در ادارات و میادین چراغانی کرده‌اند. برق کجا بوده هیچکس نمی‌داند ولی من می‌دانم از یک شخص مطمئن که دست اندرکار اینهاست شنیدم که چندین کشتی بزرگ و یازده تانکرهای عظیم که توی هر کدام با اندازه یک ساختمان عظیم است از کشور شوروی اجازه موقت ده روزه گرفته‌اند. این تانکرها در داخل کشتی و در شمال کشور دریای خزر است و برای هر کدام از این تانکرها که با کشتی و داخل آب هستند روزانه چندین هزار دلار می‌پردازند که هزینه آن واقعا سرسام آور است در ضمن آن شخص مبلغ آنرا گفت و من الان درست یادم نیست آدم را یاد مخارج جشنهای دوازده روزیاند ساله شاهنشاهی می‌اندازد بدیعی است بعد از این ده روز باز برق نداریم شاید از دوازده ساعت هم بیشتر. وزیر نیرو می‌گوید تا چندین سال آینده هم وضع برق تقریبا همینطور خواهد بود.

حرفهای مردم - مردم واقعا عاصی شده‌اند همه از وضع اقتصادی و کمبودهای فراوان رنج می‌برند. در یکسال گذشته فقط به هر نفر دو کیلو برنج داده‌اند. کویین بود در لباسشویی و ماسون ۵ یا ۶ ماه بیکار اعلام نمیشود دوباره شیت در هتل‌ها و مسافرخانه‌ها و اماکن عمومی فراوان شده، انواع بیماریهای واگیردار شیوع پیدا کرده خلاصه اغلب بی پول و بیکار و گرسنه هستند و قیمت همه چیز با دلار محاسبه میشود آنها که پول دارند و مردم را می‌چاپند وضعیتشان خوب است و همه احتیاج مورد لزوم را از بازار آزاد تهیه می‌کنند، آنها که در آستان مستمری و حقوق بگیرند مرده‌های متحرک هستند و سهمین جهت حال و حق اعتراض راحتی در صفهای طولانی خالی راهم ندارند. فکر می‌کنی اوضاع چه وقت درست میشود جنگ هم که تمام شده!!

۰۰۰۰ اوضاع مملکت ما که شده عین بره‌ای طاووس

رنگه به رنگه و تماتایی. آدم بسدونه از کجا بگه اوضاع یواش یواش دازه برسی کرده به روزهای سابق مثلا غروبکسایی که به زور از دست مردم گرفتاره بودند و می‌گفتند گناهه حالا کچی ویی ریختنش را مبدن دسمنون و مردم هم با اصطلاح ذوق زده میشن و دیگر نوع بازیچه و رنگه و شکش برایشون مهم نیست مثلا یواش اجازه میدن... کسرت بگذاره... برای خانمها، مردم که از همه چیز محروم بوده‌اند یادشون میره که این کارها فر خدمت گیسست و برای چیست و بطیط... در بازار سیاه فروخته میشه آنها هم قیمت هفت هزار تومان یا اینکه میگن خانمها می‌توانند کت و دامن بجای رپوش بیوتند و بعضی هاهم مثل اینکه یادشون میره چه حقوقهایی از آنها شایع شده و متوجه نیستند که چه می‌گذرد بغول بکسی از نویسندگان خدا لعنت کند آنکسی را که چشم ظاهر مارو به روی بازیچه‌های رنگه به رنگه کشود و چشم عقل ما را به حقایق کور کرد. خلاصه شهر، شهر فرنگه بعضی هادیدشون نسبت به رفسنجانی عوض شده

در رسانه‌های خبری جهان

از صفحه ۷

نشانند در مورد صلاحیت آن شخص به تصمیم و نظر مشترکی دست یابند، شورایی که شامل ۳ تا ۵ نفر از مذهبیمون مهم خواهد بود تشکیل داده خواهد شد. با وجود اینکه آیت الله‌هایی هستند که ممکن است واجد شرایط هم باشند مانند علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان و عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی، هیچکدام محبوبیت مردمی و نفوذی ندارند.

علی خامنه‌ای در نماز جمعه تهران در توضیحاتی که برای برکناری منتظری داد گفت: "منافع سیستم اسلامی بالاتر از منافع شخصی و با منافع جمعی قرار می‌گیرد". آیت الله خمینی نیز گفت که این مقام در حد توانایی منتظری نیست. اما متخصصین در امور چه داخلی و چه خارجی می‌گویند این تصمیم ربطی به توانایی منتظری نداشته است. اگر چنانچه آیت الله منتظری تا سוף یومین جنگ ۸ ساله را در نامین سعادت مردم مطرح نکرده بود، بگفته کارشناسان در امور ایران، او در جای خود باقی می‌ماند. این موضوع که چگونه اقتصاد ایران تنظیم خواهد شد و چگونگی

ورفسنجانی هم آخوند روشنفکر دست و دل‌بازی شده و در مصاحبه‌های خارجی ببا بین چه دم مایکل چکسونی بکنان میدهد. اصلا یکی نیست به من بگه بتو چه مربوطه و زندگی بکن و کاری به اوضاع نداشته باش آخه تقسیم توخت که ما را لقلقل میدی و میگی از اوضاع بگو، اوضاع اینجا گفتن نداره، بدین و درش زندگی کردن داره. گیریم که ما گفتیم چایمه یا لا رفتن، اختلافات بین آخوندهای درجه یک روزبه روز قویتر می‌گیره گیریم که ما گفتیم انکار به اوضاع عادت کرده‌اند و همین قدر که دیگه مجبور نیستند منتظر جنازه بچاهشون از چپه باشند براشون کافیه، انکار که ما گفتیم که سر هر کوجه و برزنی یک عده بچه همین... تلفنگ بدست راه و نیمه راه جلوی ماشین‌ها رو می‌گیرن و اصلا ضوابطی هم برای نگهداشتن ماشینها ندارند و کارشون عشقی عشقی است و از همه مهمتر گیریم که من گفتم به اندازه تمام مترجمین عالم اینها دارند انقلابی اعدام می‌کنند حتی کسی که ورقه عفو با پایان محکومیت دستش بوده. حالا در هر فاجیلی و در هر خانهای اگر کسی زندانی سیاسی بخصموم مجاهد داشته عزا داره. جالب است بدونی که یک آشنای خیلی خیلی دور از ما را که در زندان بوده و قرار بود آزاد کنند و زنش دنبال کارهای آزادی بود اعدام کردند و گفتند که نباید مراسمی برپا کنند. اسازن سخفیانه اینکار را کرد و آنها از کارش اخراجش کردند هفته پیش زن به اتفاق عده‌ای از بستگان دیگر اعدام شده‌ها، محل دفن اعدامی‌ها را که حتما میدانی، لعنت آباد نام گذاشتند و یک کیلومتر دریک کیلومتر مسافت دارد گلپاران کردند یعنی این مسافت یک کیلومتر دریک کیلومتر را چون هیچکس از محل دفن عزیزش خبر نداشت و شروع کردند به سرود خواندن، آن هفته چون عده زیاد بود کاری به کارشان نداشتم ولی شناسائی کردند و همه منجمله همان خانم آشنای ما را گرفتند و تا کنون از او خبری نیست ۰۰۰۰۰۰۰

بازسازی ایران هیچگاه برای خمینی مهم نبوده است. همانطور که او بیکبار گفت انقلاب برای اسلام بوده است نه برای قیمت اجناس.

اما در چند ماه گذشته انتقادات منتظری لعن تازه‌ای پیدا کرده. او توضیح گفت که در اینکه جنگ ضروری بوده تردید دارد و از رژیم خواست که اشتباهات گذشته خود را جبران کند و گفت که انقلاب از مسیر اصلی خود خارج شده است و "مردم دنیا فکر می‌کنند که کار ما در ایران فقط کشتار مردم است." که این حرف کارد راه استخوان رساند.

برکناری منتظری در زمانی رخ داد که در ایران جنگ قدرت وجود داشت و دولت ایران نیز تلاش در حفظ قدرت می‌کرد و کاملا از برقراری روابط دیپلماتیک و اقتصادی با غرب عقب نشینی می‌کرد که این درست پس از جریان مربوط به رشدی و کتاب آیه‌های شیطانی رخ داد. چند روز قبل از برکناری منتظری توسط خمینی، محمد جواد لاریجانی معاون وزیر امور خارجه نیز مجبور به استعفا شد. او از افراد است که خمینی آنها را امیرال خود فروخته خطاب کرده بود.

معمدا در ایران انقلابی مانند همیشه وقایع سیاسی غیر قابل پیش بینی است و مشکل متعوان اثرات برکناری منتظری را بر روی دیگر شخصیت های دولتی پیش بینی کرد. برای مثال حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، سخنگوی مجلس که روابط بانمایی خارج را رواج داد هم اکنون در بازتاب احساسات ضد غربی خطر از دست رفتن پرستیژش در میان است. اما او که در دیگر تحولات سیاسی ده ساله اخیر موقعیت خود را حفظ کرده است قادر است زیرکانه این انتقادات اخیر را نیز به نفع خود خاتمه دهد. در این میان بازنده واقعی شخص خمینی است، مردی که ثابت کرد حاضر است برای تثبیت و ادامه دولتش فدایی اصولش شود.

سول بخاش که نویسنده کتابی درباره انقلاب ایران است گفت: "این تصمیم خمینی نشانگر غیر پیش بینی بودن کارهای اوست و سبب میشود که مقامات بالای دیگر در اینکه خمینی تا چه حد به آنها اعتماد دارد مردم شوند." او گفت: "خمینی ثابت کرد که برای او فرق ندارد چه سبایی باید بپردازد بهر حال او از فرم در انقلاب جلوگیری خواهد کرد."

کارگران و کارمندان ایران
برای آزادی تشکیل های کارگری و کارمندی، برای
انحلال انجمن های ضد کارگری و برای توقف کشتار
زندانیان سیاسی بپاخیزید، متحد شوید، به مبارزه
مسلحانه انقلابی بپیوندید و رژیم خمینی را سرنگون
سازید.
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

س ۲ - ت ۱

مردم ایران:

رژیم خمینی به تعقیب، بازداشت، شکنجه و اعدام
افسران و درجه داران و سربازانی که در جنگ ضد مردمی
خمینی شرکت نکرده‌اند، مبادرت می‌ورزد. برای
توقف چنین امری، بیا خیزید و با سرنگونی رژیم
خمینی، صلح و آزادی را در جامعه مستقر سازید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

س ۲ - ت ۲

وای به وقتی که بگردد نعل!

کیهان - ۶۷/۱۲/۷

با اجازه

سپید زمینی!

... ناپسند بدی گفت: معه نوم بایندعه پرتامه بریزوی
پازناری، بومه برای حل مشکلات اقتصادی و بیکاری، کنترل
رشد جمعیت، شکوفایی شدن استعدادهای گنجانم توزیع عادلانه
فرمانده، ریشه کن شدن فقر و محرومیت، حرکت در بستر
قانون اساسی، تعیین خط مشی و سیاست کلی بر اساس
اهداف انقلاب، ارزشهای کار مشرکان، ایجاد فرهنگ کار
و تولید بیشتر و نشاط و مصرف کمتر، همه آحاد ملت،
ارائه انگیزای اقتصادی، ساسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی
و جلوگیری از تصمیم گیری احساسی بیفای نهادی قانونی
و برنامه ریزی...

... اختیار داری! نظر لطف شما است! اینجا که
می‌رانی، خیلی زیاد است برای ما! بلکه از فرمان هیزباد
است! یکوقت خوابی کرده دیدی از زیادی خردیشستی
ترکیده! اینها فلان این چیزها را نمی‌فهمیم! جانشنا
بدون ملایمانانه فرما اگر مردی قیمت سپید زمینی را
اولده نوم برگردان به آخر دهه اول... بقیه امور
یعنی استراتژی، تاکتیک، تکنیک، الگو، ارزشیابی، راسا،
حرکت در بستر! و این قبیل چیزها بماند برای ما!

عریضه

آقا جمال عزیز - مکتوبی خوب و توانا
از این که بعضی دنیا در روزنامه کیهان طلب شدوا
لفظ پلک یا نو خط می‌بینم واقعا متاف می‌شوم. شاید
سوزهای نغمه‌ری را هیچ به شدت بیخ نپوش، در مورد این
فاپورتی بازی وزارت بازرگانی خرجه بویسی بازرگام
است. جلور است که خرماله یا شام و خدیجی
وزارت بازرگانی تا اواسط زمانه مدعیای بخش خصوصی
وارد بازار می‌شوند. وقتی يك دوماهی از زمان گذشت
و خدیجی‌های بخش عمومی با ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان بالاتر
از قیمت‌های واقعی فروش رفت به وزارت مشربازرگانی
ملاجه ملاجه و با تانی خروج می‌کند به توزیع شد یجا
خوبه، اضافه قیمت حداقل فروش يك میلیون خدیج
در سطح کشور اضافه دریافتی آن می‌شود بین سیصد
میلیون تا یک میلیارد تومان. شما بدست برکت، خوبان
پول کیا می‌روند؟!
پنیرم همینطور، چیزهای دیگرم همینطور. زنده
باشی، بپوش، هوایت را داریم!

قریبات - آقا جان
... وزارت بازرگانی که حالتی معلوم است، استرجم
و متفا. شاید خیال کنی این دیه در آخر اسم وزارتخانه
پایه صفری یا طلا پایه نسبت است! نظیرا پایه کوره است!
تا بدیم پایه ضابط است!...
شما یادت باشد عروقت خدیج گرفت، یکی دو لیترم
توی نوشته‌های من برای ما می‌نویسی برزی! خصوصا که
قول دادی در زمستان مرد و سی خرجه زیر سترجم هوای
ما را داشته باشی!
(می‌بخشی که تو از ما تعریف کردی ولی ما تعریف
نمودیم! زلفی‌باشی! ترس! بازم از ما تعریف کن! هوایت
را داریم!)

اخبار

روز ۲۷ فروردین امسال، تعداد ۱۶۶ تن از نمایندگان
مجلس ارتجاع طی نامه‌ای به خمینی خواستار تغییرات
اساسی در قانون اساسی و تدوین یک متمم برای فائسون
اساسی رژیم شدند. روز بعد نیز شورای عالی قضایی
رژیم طی نامه‌ای به خمینی همین خواست را مبطسرح
نمود.

خمینی جلاد روز ۲۸ فروردین امسال بمناسبت روز
ارتش پیامی به ارتشیان و نیروهای مسلح رژیم داد.
خمینی در این پیام به تحیزگویی از ارتشیان پرداخت.
خمینی در این پیام می‌خواهد با تمجید بیسابقه از

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

کاک حسین رحمانی، کاک علی عبدالله کول در مبارزه
علیه رژیم محمد رضا شاه در کردستان ایران
۱۳۵۸/۲/۱۲ - ترور آخوند مظهری توسط گروه فرقان
۱۳۶۲/۲/۱۲ - آخوند شریعتمداری در تلویزیون رژیم
خمینی ایران زنده امیت کرد.
۱۳۶۱/۲/۱۲ - شهادت مجاهدین قهرمان، محمد
ضابطی، نصرت رضایی، قاسم باقرزاده، حمید جلال
زاده، سوسن میرزائی، پری یوسفی، زکیه محمدت،
احمد کلاهدوز، هادی توانائیان فرد، حسین امیر
پناهی، اقدس تقوی، امیر آق بابا.
۱۳۰۸/۲/۱۴ - اعتصاب سه روزه نفتگران جنوب تحت
رهبری حزب کمونیست ایران و تظاهرات ۲۰ هزار
نفری مردم در حمایت از اعتصاب نفتگران
۱۳۵۹/۲/۱۴ - شهادت سیاوش شمس یکی از پرسنل
مردمی ارتش بدست جماعتدازان و مزدوران خمینی در
اصفهان

۱۳۳۸/۲/۱۵ - درگذشت شاعر مبارز محمدعلی افراشته
۱۳۴۷/۲/۱۵ - شهادت فرزند قهرمان خلق کسرد،
سلیمان معینی و همسرش خلیل شه وباش بدست
ملا مصطفی بازرانی

۱۳۵۴/۲/۱۶ - شهادت رساندن مجاهد خلق مجید
شریف واقفی بدست رهبران جریان آنارشستی
و اپورتونیستی بیکار

۱۳۳۴/۲/۱۸ - شهادت انقلابی دلیر وارطان سالخیزان
انزلی (در زیر شکنجه‌های دژخیمان رژیم مزدور محمد
رضا شاه

۱۳۴۷/۲/۱۹ - شهادت شاعر مبارز و مجری خلق کسرد
ملا احمد شلمانی (ملا آواره)

۱۳۶۱/۲/۱۹ - شهادت مجاهدین خلق، فاضل مصلحتی
حسین جلیلی بیروانه، مهدی خانمائی، علی انگینی
حمید لولاجیان، حسین کلکته چی، زهرا طباطبائی

بهرام قاسمی، زهرا شیخ اسلام و ۰۰۰ در یک درگیری
قهرمانانه با پاسداران سرکوبگر رژیم خمینی

۱۳۲۵/۲/۲۰ - اعتصاب ۱۰ هزار نفری نفتگران آغا جاری
مردم ایران، خسرو روزه

۱۳۳۲/۲/۲۱ - شهادت انقلابی دلیر و فرزند قهرمان
مردم ایران، خسرو روزه

۱۳۳۲/۲/۲۲ - کشتار جمعی زندانیان سیاسی زندان
رشت بوسیله مزدوران رژیم محمد رضا شاه و شهادت
رساندن محمد تقی اقدام دوست، علی بلندی، هرمز
نیک راه، سیم علی محمدپور، محمد تقی محبوب‌کار

۱۲۹۶/۲/۲۳ - تشکیل حزب عدالت ایران
۱۲۷۰/۲/۲۵ - لغو امتیاز تنباکو بدنبال اعتراضات
مردمی و تحریم استفاده از تنباکو توسط آیت الله

میرزا حسن شیرازی
۱۳۶۱/۲/۲۶ - شهادت مادر قهرمان مجاهد خلق، عالییه

ارتشیان به لشکریان شکست خورده اش روحیه بدهد
و آنان را برای از سرگیری احتمالی جنگ آماده نگهدارد.

افزایش فشار روی زنان

شورای عالی قضایی رژیم اعلام نمود که از روز ۲۱
فروردین ۶۸، تمامی قوانین مربوط به حجاب اسلامی
را به مورد اجرا خواهند گذاشت و متخلفین از آنرا

بازرگان و جمعی دیگر از زندگان مجاهد خلق
۱۳۶۱/۲/۲۷ - شهادت ۱۰ تن از کارمندان رانندگی
و تلویزیون ایران به جرم حمایت از مجاهدین خلق ایران
۱۳۶۲/۲/۲۸ - شهادت مبارز قهرمان کاک عبدالله
بهرامی از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات
کردستان ایران و جمعی دیگر از همزمانش
۱۳۵۸/۲/۲۹ - تولد دکتر محمد مصدق رهبر فقید
جنبش دمکراتیک مردم ایران برای ملی شدن صنعت
نفت در سراسر کشور

۱۳۶۰/۲/۳۰ - شهادت یکی از سادران مجاهد خلق
بنام سکتینه جافوساز ایران در اثر ضرب و شتم چمافداران
خمینی

روزهای تاریخی:

اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت - روز همبستگی
بین المللی کارگران
۱۲ اردیبهشت - روز معلم در ایران
خارجی:

از ۲۱ آوریل تا ۲۱ مه

۲۱ آوریل ۱۹۳۸ - درگذشت علامه اقبال لاهوری

۱۲ آوریل ۱۸۷۰ - تولد لنین

۲۵ آوریل ۱۹۱۵ - قتل عام ۱/۵ میلیون از ارمنیه توسط
رژیم ترکیه

۲۵ آوریل ۱۹۲۴ - انقلاب پرتغال

۲۷ آوریل ۱۹۷۸ - انجام کودتا در افغانستان

۲۸ آوریل ۱۹۶۵ - تجاوز امریکا به جمهوری دومینیکن
۳۰ آوریل ۱۹۴۵ - تصرف بنای رایشناک (مقر قانسون
گذاری هیتلر) توسط سربازان ارتش سرتخ اتحاد شوروی

۳۰ آوریل ۱۹۷۵ - فتح سایگون و پیروزی انقلاب و پتانم
اول ماه مه ۱۸۸۶ - قیام کارگران شهر شیکاگو در امریکا

زیر شعار "۸ ساعت کار روزانه" و سرکوب قیام کنندگان
۳ مه ۱۹۶۸ - آغاز جنبش مه ۶۸ فرانسه

۴ مه ۱۹۲۷ - آغاز مقاومت مسلحانه علیه امپریالیسم
و ارتجاع در نیکاراگوئه به رهبری ساردينو

۵ مه ۱۸۱۸ - تولد بزرگترین اندیشمند تاریخ معاصر
و پایه گذار سوسیالیسم علمی، کارل مارکس

۵ مه ۱۹۸۱ - شهادت بنای سائز از رهبران آزادیخواه
جنبش ایرلند، پس از اعتصاب غذای ۶۵ روزه زندان

۷ مه ۱۹۵۴ - آغاز نبرد دیربین نو و پیروزی ارتش
آزادیبخش و پتانم در شمال این کشور

۸ مه ۱۹۲۵ - پایان جنگ جهانی دوم پس از شکست
فاشسم هیتلری و آزادی بسیاری از کشورهای از سلطه
فاشسم و منجمله جنگلواکی و آلمان شرقی

۱۵ مه ۱۹۴۸ - اشغال سرزمین فلسطین با یورش گسترده
صهیونیست ها و پشتیبانی دولت انگلیس

۱۸ مه ۱۹۸۰ - تأسیس جبهه دمکراتیک انقلابی
السوادور (فارا بوندومارتی)

۱۹ مه ۱۸۹۰ - تولد هوشی مین

مجازات خواهد کرد. لازم به توضیح است که این
قوانین، در مورد حجاب زنان حتی رنگ و دوخت لباس
را نیز مشخص کرده است.

دژکتیو
آنتار سازمان
بکوشید



نامه‌های از ایران

همانطور که سیدانی این نامه را که توانا—شتر را اشعار گذاشته‌ای بدون ذکر مقدمه شروع می‌کنیم بر برای آنکه اشعارمان بی شعر نباشد یک شعر هم که همه دردمان را بطور جامع می‌گوید و تا بحال توجه کسی را جلب نکرده می‌گویم.

در طواف شمع می‌گفت این سخن پروانه‌ای سوختم زین آشنایان ای خوشا بیگانه‌ای البته این شعرا ز من نیست ولی خود منم نظیر این شعرا دارم که بسوق و در صورت لزوم برایت خواهم نوشت ۰ بدون مقدمه می‌روم سراصل مطلب ، اگر بیادت باشد قبلا نوشته بودم که هسایه خانه ۰۰۰ که شوهرش پس از کشیدن هفت سال زندانی ، به آزادی اش یک یا دو روز باقی مانده بود اورا و اهزاران نفر دیگر که فقط از وجودشان می‌ترسیدند و اصولا وجودشان را زیاده می‌دانستند اعدام کردند وزن و سجه اورا بدون هیچ گونه پناهی در این کشور و انفسا و دورخانه‌های گرایه نشین تنهای تنها گذاشتند ۰ خوب به این هم قانع نشدم البته این کار دژخیمان از خدا بی خبر بود که همان دژخیمان هم آتش زیر خاکستر بودند که فعلا خاموش بودند ولی با مسائل ای که پیش آمد آنها را بیخیمان کردند که اصولا چرا از اول آنها را اعدام نکردند و در نتیجه هزاران نفر دیگر بی جهت و بیگناه دچار این مکافات شدند وزن و سجه و زمار ، پند و آنها همه هزادار شدند ۰ این اصل قضیه حالا بدبختی های که بعد از این جریان برای خانواده‌های عزادار پیش آمده و می‌آید باید بدانی که از این سجاهدین ، کسی رانمی‌شناسیم که ببینیم چه دره‌هایی می‌کشند و عوامل باشی از این بی‌سریستی آنها را بیگیری کنیم ۰ ولی در صفحه ۸

انتخابات در شوروی

روز ۲۷ مارس ۱۹۸۹ ، حدود ۱۹۰ میلیون نفر از مردم شوروی برای انتخاب ۱۵۰۰ نماینده کنگره به پای صندوقهای رای رفتند . در این انتخابات شورای اولین بار در طی ۷ دهه اخیر (طی ۷۲ سال پس از پیروزی انقلاب اکتبر) مردم اتحاد شوروی امکان یافتند که نمایندگان کنگره را از میان کاندیداهای متعدد انتخاب کنند . تعداد ۲۸۹۵ نفر نامزد انتخابات بودند که از میان آنان ۱۵۰۰ نفر انتخاب میشوند . ۸۵٪ نامزدها از حزب کمونیست معرفی شده بودند . نتیجه انتخابات در حوزه مسکو ، پیروزی الستین با بیش از ۸۵٪ آرا ، رای دهندگان ، یک پیروزی بزرگ برای کسانی که خواستار تغییرات اساسی در ساخت سیاسی اتحاد شوروی در جهت پلورالیسم سیاسی هستند ، بود . پیروزی الستین در مقابل کاندیدی رسمی حزب در مسکو ، یک مساله جدی و قابل تعمق برای همه طرفداران رهائی طبقه کارگر و یک هشدار جدی برای حزب کمونیست اتحاد شوروی می‌باشد .

تصحیح وپوزش
در شماره ۷ کثیرد خلق در قسمت برخی از رویدادهای تاریخی ، تاریخ تولد ماکسیم گورکی و شهادت سرباز مبارز رضا شعیق آبادی غلط چاپ شده که در سمت آن به ترتیب عبارتست از : ۲۸ مارس ۱۸۸۶ و ۲۱ فوروردین ۲۴

برخی از رویدادهای تاریخی

- ۱۲/۲/۵۹ - سرکوب جنبش دانشجویی توسط رژیم خمینی با طراحی حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی تحت عنوان " انقلاب فرهنگی "
- ۱۳۳۰/۲/۲ - اعتصاب کارگران نفت جنوب و اعلام حکومت نظامی در منطقه جنوب از طرف حکومت شاه
- ۱۳۵۹/۲/۵ - تجاوز نظامی آمریکا به ایران در طیس
- ۱۳۳۲/۲/۶ - شهادت افشار طوس رئیس شهرنمایی حکومت ملی دکتر مصدق بدست اهادی ارتجاع و دربار پهلوی
- ۱۳۵۸/۲/۶ - دستگیری مجاهد قهرمان محمدرضا سعادت
- ۱۳۵۸/۲/۷ - راه پیمائی در تهران به دعوت ساداران مجاهد خلق با شرکت ۱۵۰ هزار نفر از مردم تهران
- ۱۳۱۶/۲/۸ - بازداشت گروه ۵۲ نفر توسط رژیم ضد مردمی رضا خان
- ۱۳۵۰/۲/۸ - سرکوب اعتصاب و تظاهرات کارگران کارخانه جهان جیت توسط مزدوران رژیم محمد رضا شاه و شهادت سه کارگر قهرمان وجیه الله چشم‌افروز ، حسن نیکوکار و علی کارگر . سرکوب کارگران منجر به زخمی شدن ۱۲ کارگر این کارخانه گردید .
- ۱۳۳۰/۲/۹ - تصویب قانون "خلع‌به" از شرکت نفت انگلیس در مجلسی و تشکیل دولت مترقی دکتر محمد مصدق
- ۱۳۱۰/۲/۱۰ - اعتصاب کارگران کارخانه نساجی وطن در اصفهان
- ۱۲۹۹/۲/۱۱ - انجام نخستین تظاهرات کارگری در ایران (در شهر تهران) به ابتکار شورای مرکزی اتحادیه کارگران که از ۱۵ اتحادیه تشکیل می‌شد بمناسبت اول ماه مه
- ۱۳۲۳/۲/۱۱ - تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران
- ۱۳۴۰/۲/۱۲ - اعتصاب معلمان ایران و شهادت دکتر خانعلی (روز معلم)
- ۱۳۲۷/۲/۱۲ - شهادت انقلابیون قهرمان ، کاک اسماعیل شریف زاده و یارانش کاک محمد شادمانی ، در صفحه ۱۱



رفقای فدایی :

شیرین فشیلت کلام - هادی فرجاد پز شک - عبداللله پنجه شاهی - علی اکبر (فریدون) جعفری - مرضیه احمدی اسکویی - هیبت الله بهرامی - کاظم سعادتی خلیل سلمانی نژاد - محمود نمازی - لادن آل آقا مهرنوش حاتمی - محمد رضا و احمد رضا قنبر پور فرزاد دادگر - عزت غروی - ارزنگ و ناصر شاهگان شام اسی - فرهاد صدیقی پاشاکی - قربانعلی زرکاری جهانگیر باقر پور - رضا نعمتی - بهروز ارمغانی اسماعیل عابدی - زهره مدیر شانه چی - حسین فاطمی میترا بلبل صفت - علیرضا باصری - نسیم پنجه شاهی حبیب الله مومنی - منصور فرشتی - محمود خرم آبادی - مصطفی حسن پور امیل - فریده غروی از سال ۵۰ تا کنون ، بدست دژخیمان رژیم پهای شاه و خمینی شهادت رسیدند .

اخبار کوتاه

بر طبق اخبار دریافتی از ایران ، رژیم جنایتکار خمینی از مدتی قبل در تدارک قتل عام جدیدی از زندانیان سیاسی ایران است ، بر اساس خبر فوق رژیم جنایتکار در صدد است تا برود ۱۵۰۰ نفر از زندانیان سیاسی را مورد بررسی مجدد قرار دهد ، کسانی که بعلت سوابق سیاسی خود پرونده مورد مطالعه در ساواک رژیم دارند ، کسانی که در کردستان خود را تسلیم رژیم کرده‌اند ، به همراه زندانیان سیاسی در بند برای قتل عام مورد بررسی مجدد قرار خواهند گرفت . در صفحه ۱۱

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میبایست مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است . کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد ، یا مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید .

حساب بانکی جدید

نام بانک SOCIÉTÉ GÉNÉRALE
آدرس بانک BOULOGNE - S - SEINE
کد گیشه 03760
شماره حساب 00050097851
نام صاحب حساب MME: R-T-TALAT

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان در آمریکا و کانادا با آدرس زیر مکاتبه کنید .
HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090
U.S.A

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE